

توضیح مجاهدین خلق ایران درباره شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران
سازمان مجاهدین خلق ایران - قم
بیانیه مفصلی بتاريخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸
نقطه نظرهای خود را مبنی بر تدوین قانون اساسی از طریق تشکیل مجلس موسسان به اطلاع عموم رسانده است.

نشریه مجاهدین خلق ایران

سال اول - شماره ۲ - دوشنبه ۸ مرداد ۵۸ - تكمشماره ۱۵ - صفحه ۵

ویژه نامه مجلس بررسی قانون اساسی

• قانون اساسی و حیاتی ترین مسائل جامعه در صفحه ۶

• اصول کلی حاکم بر قوانین در صفحه ۷

آزادی انتخابات

• از زمین بردن عوامل سیستماتیک محدودکننده، راهی به درازی یک انقلاب دارد.

چنانکه در مقدمه فهرست اعلامیه مربوط به نامزدهای مشترک پنج گروه و سازمان مجاهدین آمده، شرکت ما در انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی ملازم با شرایط زیر است:

- ۱- تضمین آزادی کامل انتخابات
- ۲- بی طرفی صداوسیما جمهوری اسلامی.

همچنین در این اعلامیه حداقل شرایط و حقوق مربوط به آرایه شده است:

الف - حق نظارت بر نحوه آرای - گیری و حفاظت از صندوقها و شمارش آرا - ب - حق استفاده متساوی از راهپیمایی و تلویزیون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروهها.

صرف نظر از تمام ایرادات اصولی و

آیا ارتش

مشروعیت دخالت در مسائل درون مرزی را از طریق سپاه پاسداران کسب خواهد کرد؟

مقدمه:

عروض خلقهای تحت ستم ماکه بار سنگین فقر و رنج ناشی از سلطه چندین و چندساله امپریالیسم ورزیم دست نشاندگان را بر بدوش داشتند، منجر به ساقط شدن رژیم گشت. در این میان دیکتاتور ری سپاه آرمیبری در این تفسیرو تحولات بقیه در صفحه ۲.

آیت اله طالقانی در مراسم

سی ام تیر



- هدفهای مرحله جدید انقلاب را روشن کردند
- مبارزه با استعمار، استبداد بهر شکل، استثمار شعارهای سه گانه انقلاب ماست
- هر جمعیتی که بخواهد آزادی بحث و انتقاد را محدود کند، اسلام را نشناخته است

در مراسم روز ۳۰ تیر که به خاطر تجلیل از شهیدای خلق برپا شده بود، به الله طالقانی خطاب به جمعیت شرکت کننده که در میدان بهارستان اجتماع کرده بودند گفت: تمام نیروها با بسی در مقابل دشمنان زخم خورده ای که چه در داخل و چه در خارج، شب و روز مشغول دسیه چینی هستند، متحد شوند. همچنین ایشان صریحاً اعلام نمودند که: "اسلام با تنگ نظری جور در نمی آید. اسلامی که از متن قرآن و سنت بیجا میرسرچشمه گرفته، آرا میرا محدود نمیکند، هر جمعیتی که بخواهد آزادی - برود را در اشتقاق دوخت، محدود کند، این بقیه در صفحه ۱۰

ضرورت عینی تشکیل شوراهای کارکنان در نهادهای تولیدی (قسمت دوم)

- آنان که می گویند کارگران قادر نیستند در اداره واحدهای صنعتی نقش داشته باشند، نیروهای اجتماعی کسمردهای را از شرکت در سرنوشت خود محروم می کنند.
- تنها از طریق تشکیل کارگران و اقدام صحیح و قاطع شوراهای است که میتوان از سیستماتیک شدن جریانهای ضد کارگری جلوگیری کرد.

در شماره گذشته در مقاله "طرح سندیکاها تجدیدی بر علیه حاکمیت روابط شورایی" دیدیم که چرا کارگران در برابر سندیکا از خورا دفاع میکنند. اینک قسمت دوم طرح شورایی و روابط شورایی را دنبال میکنیم.

پس از شکست نظام بوسیده دیکتاتور

گزارشی از یک دیدار سیاسی - انقلابی

با رهبر جنبه آزادی بخش اریتره



روزی چهارشنبه ۲۷/۴/۵۸ در مقر جنبش ملی مجاهدین میزبان برادرانی از خلق رزمندگان اریتره بودیم. -

میهمانان گرامی عبارت بودند از: زنا حمدانا رهبر جنبه آزادی بخش اریتره و محمد عمر نما پنده این جنبه در ایران، سمور جوی و دونفر دیگر از برادران مجاهدان در این گفتگو شرکت داشتند. در گفتگوی برادرانه و سازنده ای که از ساعت ۴ بعد از ظهر به مدت سه ساعت جریان داشت مسائل مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. بقیه در صفحه ۲

امتناس آنان در دفاع از حقوقشان بلا جواب ماند. و کاملاً سربسته و محروم ملی کردن برخی کارخانه ها نیز نتوانسته به نفعهای مرحله ای انقلاب راهی بخش خلقهای ایران پاسخ گوید. در برخی صنایع بتدریج منابع و آستانه بقیه در صفحه ۳

برداشتنهائی از خطبه ۱۵:

بیانیه اعلام مواضع سیاسی حضرت علی در آغاز رهبری

آغاز رهبری جامعه، ایراد نمود. در این خطبه علی با قاطعیت تمام نقطه نظرهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و بطور کلی دیدگاههای خودش را نسبت به مائلی از قبیل ادامه انقلاب، شیوه عادلانه توسعه اقتصادی، طبقه اشرافیت سیدار و بایگاه اجتماعی از جماع زمان خود و... صریحاً اعلام میدارد. بدین لحاظ می توان این خطبه و خطبه بعدی (خطبه ۱۶) را در واقع سبانه اعلام مواضع امام علی در شرایط بلافاصله پس از برپوری انقلاب دوم مردم و توده های تحت ستم نامید. بیانیه ای که خط مشی انقلابی علی را مشخص میکند و بطور کلی به نظر گسایه های تحریف شده بظاهر اسلامی آن زمان

بسیار نادر است که در این خطبه حضرت علی (ع) پس از دست گرفتن اداره امور جامعه و رهبری انقلاب و در

توضیح:

در شماره قبل نام "سمور جوی" نویسنده مقاله "بپای دروغت قلم" افتاده بود، که به این وسیله تصحیح میگردد

آزادی انتخابات ...

و خلاصه هر روشی که انگار او به صورت مستقیم اراده و خواست آزادی را می دهدند گان را تحت الشعاع قرار دهد .

۲- طریقه غیر مستقیم و سیستماتیک در این روشها که بخصوص در کشور های سرمایه داری غربی جایست علی الظاهر فشار مستقیم متوجه اید دهند نیست . لکن اوضاع و احوال کل کشور و نحوه تفکر و تربیت و تبلیغات و انتخابات طوری تنظیم شده که رای دهنده خارج از چهار چوب سیستم موجود قادر به انتخاب نیست . لذا رای انتخابی هم که بکنند در چهار چوب نظام خاص و منافع کلی آن صورت گرفته است . بعنوان مثال سیستم انتخاباتی آمریکا را در نظر بگیریم که مردم این کشور چه بخواهند وجه نخواهند دست آخر با پستی کاندیداهای بگن از دموکرات و جمهوریخواه و دموکرات را بعنوان رئیس جمهور بپذیرند . بمبارت دیگر سیستم طوری تنظیم شده است که می تواند فرد که البته هر کدام به انحصارات و سرمایه داران معلوم الحالی وابستند یکی از آنها انتخاب شود . یعنی هیچ کمانی برای برنده شدن نامزد هایی که به انحصارات وابسته نیستند ، و از طریق شبکه تبلیغاتی آنها به مردم معرفی نشده اند ، وجود ندارد . باین ترتیب ملاحظه میشود که در سرمایه داری های غربی ابتدا مردم را به یک فرهنگ مصرف و کالایستی ، سود جویی و برتری جویی نسبت به مثل ضعیف و اصالت و رسالت تمدن خودشان عادت میدهند ، و بعداً " در چهار چوب این نظام و ارزشها و دنگها به رای گیری میپردازند .

اسلام و آزادی اندیشی

منظور از دنگها عقیده برتری نژادی است که حزب نازی مبلغ آن بود . بنابراین چنین رای گیری و پراش اراده ای در واقع امر نمیتواند با معیار های اسلامی و توحیدی آزادانه تلقی شود زیرا مفهوم آزادی در نظرگاه توحیدی با نظرگاه سرمایه داری غربی خیلی تفاوت دارد . در دیدگاه توحیدی و اسلامی کلیه عوامل محدود کننده اراده آزاد آگاهانه بشری تحریم شده است . از مسکرات و مخدرات گرفته تا عوامل محدود کننده اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ، بهمین

دلیل نیز در فقه راسخین اسلامی هر عقد و قراردادی که در آن بوجهی از وجوه قدرت انتخاب یا همان اراده آزاد انسان محدود نشده باشد اعتباری ندارد . حتی اگر کسی عالماً و عامداً ، از قریب تنگدستی خودش حاضر شود که بخت خودش را پیش را بفروشد ، باز هم این خرید و فروش باطل است . زیرا اگر چه فروشنده بظاهر خود را مختار میداند ، ولی در واقع امر تحت اجبار خاصی به چنان کاری کشانده شده است .

حداقل انتظار

اکنون با توجه توضیحات بالا میتوان نتیجه گرفت که طبعا " تا وقتی ظلم و استعمار و بی فرهنگی وجود دارد ، تا وقتی شعور و بینش اجتماعی و سیاسی رشد کافی نگردد ، تا وقتی تا وقتی در هر جامعه ای به نسبت خودش عوامل سیستماتیک محدود کننده وجود دارد . و خود بخود عمل نمیکند . راه رفع و رجوع این عوامل نیز راهبست اساساً " طولانی و دراز مدت . راهی بخرابی یک انقلاب بنیادین اجتماعی ، اقتصادی که ما تازه آن آغاز کنیم . راهی که تنها در پایان میتوان عوامل محدود کننده " آزادی ، با همان جبهه های خودکار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را دربروانشناسی جامه غنثی نمود .

لکن فشارها و طریقه های مستقیم خود کشی کردن آزادی انتخابات را دیگر به هیچوجه نمیتوان در همین مرحله و همین امروز اتخاذ کرد . و بر آن نتورید . موضوع مقاله حاضر نیز فعلاً همینگونه محدودیتها و استبدادگری های ضد آزادی است . بمبارت دیگر از دولت و مراجع میخواستیم که لاف لاف منق چوب و جاق و پنجه بکس و شانتاز و تهدید و همجنس دست جمعی فرستادن کارمندان و کارگران یک واحد را بپای صندوق محکوم کند . تنها در اینصورت میتوان گفت که روشهای انتخاباتی آریامهری از این کشور رخت بر بست است . همه میدانیم که در زمان شاه مخلوع شیومرای گیری کامیونی و از ترس قطع حقوق و از دست دادن مزایای مختلف تا چه پایه مبتدل و نفرت انگیز بود . لذا اکنون نیز نباید گذاشت طبع محدودیت و فشاری تحت نام هر کسی و هر حزب بر موضع گیری های مختلف انتخاباتی افراد وارد شود .

گزارشی از یک دیدار ...

گرفت ، که گزارشی از این ملاقات و بخشی از سوالات و مطالبی را که منوآ نگریده بدینجا میخوانم .

تاریخچه مختصر مردم آریتره:

در ابتدا احمدنا مرمرمن تفریح مختصر خصوصیات جغرافیایی تاریخی و اجتماعی و فرهنگی آریتره چنین گفت : آریتره پیش از ریتیره سرزمین متعلق بوده است ، با تمدن، سنتی ملی و تاریخ غنی خود . ولی استعمارگران کوشیده اند ملت آریتره را هم چون دیگر ملت های استعمار زده یک ملت بی تاریخ معرفی کنند . اولین استعمارگران عثمانی ها بودند ، سپس نوبت به ایتالیای که رسید که در سال ۱۸۸۹ پس از چهار سال نبرد

استند آریتره را تصرف کنند . از این تاریخ استعمار ایتالیایی با نهایت خشونت و وحشیگری مردم آریتره را مورد استعمار قرار داد ، و همه تندهای مستقل کشور را منهدم کرد ، هنگامیکه در ۱۹۲۰ هجری موسولینی دیکتاتور ایتالیایی به انگلستان اعلان جنگ داد مردم آریتره خوشحال شدند چون نژاد آنها برای خود تلقی میکردند و در سال ۱۹۲۱ نیروهای ایتالیایی در آریتره شکست خورده و آریتره به تصرف قوای انگلیس درآمد و مردم قسیدند که تنها استعمارگری رفته و استعمارگری آریتره است . بعد از جنگ جهانی دوم هنگامیکه مسئله تقسیم سرزمین های تحت تصرف ایتالیایی مطرح شد ، به اکثر آریتره استقلال دادند اما آریتره را به علت موقعیت جغرافیایی استراتژیک استقلال

که اتفاقاً " تجربیات فراوانی نیز طی سالها اندوخت است . گفت . بدین ترتیب برای ارتش که تا بحال زیر ملامت سوال قرار داشت و از داخلش در هرگونه گیری های درونی جلوگیری میشد ، زمینه فراهم آمد تا در آینده آزادانه در صحنه خود ظاهر شود .

تحولات اخیر ارتش

ارتش تا قبل از انقلاب بی محاسبی مردم را محکوم میکرد ، و اساساً یکی از وظایف عمده این نیز همین بود . ولی اکنون نه تنها دیگر مردم زیر بار این ساله نرفتند ، بلکه حتی خود پرسنل آگاه ارتش نیز از فرار گرفتن در برابر مردم با داشتند . در قطعاتی که پرسنل ارتشکده به سانسهای مختلف انتشار می یافت ، " تکرار " شاهد بودیم که خواستار عدم مداخله ارتش در مسائل درون مرزی بود . ند . مخصوصاً " در جایی که پتانسیل الهی را تشکیل شوراها را تنها راه رسیدگی به خواستهای خلق های تحت ستم ایران میدانند . هیچگونه مخری و توجیبی برای دخالت ارتش باقی نمی ماند . هنگامیکه برخی سران جنایتکار ارتش در در دادگاههای انقلاب به سناکه میکشیدند ، در مقام دفاع از خود میگفتند که : " به ما گفته میشد برای حفظ نظم باید این خرابکارها و اعمال اجنبی را بکشیم . آ تا بماند آور نخواهد بود اگر اکنون هم برای حفظ نظم در برابر عمال بیگانه ، دیوار حربه ارتش بکار آفتد . هرروزه شاهد بازسازی سریع ارتش هستیم . بالاچهای مفرور کونه تعرضی نسبت به سناحت پاک ارتش ممنوع اعلام میگردد ، و فرماندهان و سران سیردگان رژیم پیشین از زندانها آزاد میشوند . در حالیکه عموماً پستیهای حساس را در ارتش همینگونه افراد بر عهدہ دارند سروسهای فدا اطلاعاتی با همان کادرهای قدیم و با همان وظایف و اهداف دیوارها میگردند . قراردادهای تسلیحاتی ایضا شده و از مستشاران دعوت میشود برای ادامه کارهای خویش بازگردند . اخیراً " هم با استنادگی غیر قابل انتظار در برابر خواست شروع و برحق پرسنل نیروی هوایی در مورد تشکیل شوراها ، آشکار شده

ورود پاسداران به مسائل منطقه ای

دیکتاتوری ، تضادهای راکتوانوج بلوغ و رشد خود رسیده بودند ، زیر سر بوش خود پنهان میداشت ولی با ساقط شدن رژیم این تضادها بشکل بارز خود را در مناطق دوزخ افشانده این سرزمین که بار سالها ظلم و استعمار مضاف بر سر دوش کشیده بودند ، نشان داد . ساله ملتیارها همانگونه که بارها در تجربیات خلق های دیگر با ثبات رسیده است ، به شکل سیاسی میتوان حل کرد . و راه حل نظامی تنها منجر به پیچیده شدن آن خواهد شد . و همین جهت با ورود پاسداران به مسائل ملی و منطقه ای ، این بحرانها نه تنها فروکش نکرد ، بلکه شعله ورتر شد . از طرف دیگر فقدان تواناییها و آموزشهای رسمی ضعف دفاعی است . سناکه منجر به مشروعیت دخالت ارتش ،

ندارد و به انگلیس واگذار کردند . در سال ۱۹۲۲ انگلیسها طرحی برای تقسیم آریتره اندیشیدند ، بدین ترتیب که جنوب آریتره و ارتفاعات مرکزی به سفه متصل خود قسمت شمال غربی مستعمره انگلیس باقی بماند و به سودان نیمة انگلیسی ، نیمة مصری بپیوندد .

تقوید آمریکاداران آریتره:

امریکا که اهمیت سوق الجیشی آریتره را بخوبی شناخته بود قرار دادی با هیلاسلاسی امیرا طوراً تیویبی بست که طبق آن حکومت آریتره در صورت تسلط به آریتره در آنجا بیکاه های نظامی در اختیار امریکا قرار میداد . در ۱۹۵۰ها فعالیت ونفوذ امریکا ، سازمان ملل طی تشکیل کمیسیونی با تصویب بقیه در صفحه ۸

تنها ارتش ضد ناردانسات گذشته و درگون کند ، بلکه هرچه بیشتر درمد است حاکمیت و اقتدار گذشته خود را باز باید . چشمهای نگران خلق ما و نیروهای انقلابی درون ارتش کجنگا و اما این چرخش ارتش سوی عقب را تعجب میکند . و البته سادگی هم بر باران نخواهند رفت درمین حال کنار گذاشتن امریکایی فرمانده دزدان مرکز نشان دهنده تسلطی است که سر نظر از نوسانات مومنی ، با تعدد مراکز قدرت موافق نیست . از طرف دیگر کاربردن افرادی که بانظرات معتدل تری معتقدند ارتش نباید رودر روی مردم قرار بگیرد . و ارتش باید آگاه و دموکرات باشد میتوانست مقدسه ای باشد ، برای دخالت ارتش در مسائل منطقه ای سر کوب خلقها .

زنگ خطر به صدادر میاید *

بی جهت نیست که بلافاصله پس از فارغ شدن ارتش از عمل بخشی از نداد های داخلی خود ، اولین اخباری که در مورد ارتش میخوانیم اینها هستند : " دولت امنیت منطقه ای را به لشکر ۴۴ واگذاشت و روز بعد فارغ میگردد " " ارتش باید برای حفظ نقاط آشوب زده مداخله کند " . با مقایسه ساده ای از اوضاع و دستور العمل های اخیر ، با چند ماه قبل و پس از سقوط دیکتاتوری ، تفاوت کیفی عظیمی مشاهده میشود . این اختلافات ناشی از تلاشهای فراوانی است . برای کسب وجهه دیوارها و تشریح مشروعیت دخالت آن حتی در امور داخلی ، و زمینه سازی برای قانونی شدن دادن نژاد آنها می که در شرایط خاصی توسط ارتش صورت میگردد . با ورود ارتش به صحنه سیاسی این سوال مطرح میشود که آیا همین زنگ خطر نیست که ما به موافقت این امر هشدار دهیم ؟ و از صاف فراوانی که در ارتشهای نچندان دور در انتقال خلق ما را آگاه سازد ؟ آیا این اعمال همان ارتش گذشته را تداعی میکند که به سناحت حفظ نظم به هر وسیله ای از جمله مرکب مسرم متوسل میشد ؟

گزارش سازندگی

مردمی میباید. روشن است که انجام چنین تحولات اساسی در جامعه جز با حرکتی خلقی در مسیر مبارزات عدا میریالیستی خلق قهرمان ما امکان پذیر نیست. چه بر اساس یک تحلیل واقع گرایانه از تحولات اجتماعی، وقتی اساس و بنیاد این بنا - با ما تنها را در حضور مردم و مستمرا میریالیسم جستجویی کنیم، حرکتی جز حرکت در این مسیر، بیشتر به یک ترقی مسکن است تا حل و علاج قطعی تضاد های اجتماعی - اقتصادی، چرا که حضور هر چند تصفیه ای - یا لیسم در صحنه های اجتماعی - اقتصادی، بر فرض موفقیت سزنا می های ما، آنها را نیز از بین برده و زمینه را برای تسلط مجدد خود هموار و تا ده میباید. بر اساس چنین بینشی و سادگرد صحیح و توحیدی از تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه، سازمان جوانان مجاهد، در کنار دیگر فعالیتهای خود، تلاش کرده و میکند، با بسیج نیروهای فعال و دلجو برای تحقیق هدفهای فوق بگوید.

گامی کوچک ولی ارزشمند با مردم، در جهت مردم:

از زمانیکه مسئله کارهای عمرانی، در روستاها برای فصل تابستان، در دستور کار سازمان جوانان مجاهد قرار گرفت، روستاهای متعددی شناسایی و ارزیابی شدند. در هر روستایی که قدم میگذاشتی، با انبوهی مسائل و مشکلات بس بنیادی روبرو میشدی و توقعات فراوان روستائیان، توقعاتی که حق طبیعی این محرومترین قشر جامعه محسوب میباید. در بین تمام این دهات کوه خرابی هرکدام به تنهایی مسند محکومیت رژیم پهلوی و امیر - یا لیسم جها نخواست راست و بسندون هیچ استخوانی همراهدیدگند. ما دقتی را در ضرورت استمرار مبارزه عدا میریالیستی مستحکم تر میباید. بعضی دهات نیز پیدا میشوند که غرابها بی به مرآتیب و هشتاد کتک بر پیشانی شان نقش بسته است.

بنیاد شناسایی ها و ارزیابی بنیادی قطعی که به عمل آمد، به میانس آبا در مسعود گردیم. دهی که در بدو ورود ناظران راهیادش زوزیا و فارنگری دنیا ل مفلوفا میاندازد و بیس دنیا ل بر سر پی جوا نید دیگر مسئله، این منطقه به عنوان یکی از طرحهای عمرانی تابستانی سازمان جوانان مجاهد قرار گرفت.

میانس آبا چگونه دهی است؟ و شرایط امروز چیست؟

جنوب جا ده قزوین - رجان در حاشیه راه سلطانیه، ده مغربه ای بنام میانس آبا قرار دارد. این ده زمانی، یکی از آبادترین دهات این منطقه و دارای زمینهای سرسبز و زیبا بود. همین غمی و آبا دی آن موجبات نابودی و اشهادش را فراهم میساخت. فکودال معروف منطقه از دیرباز بر فکرتسلط و به چنگ آوردن این زمینها بود و برای رسیدن به این هدف از هیچ دسیسه ای فروگذا رنمیکرد و طبیعی است که کلیه نیازهای رژیم سرنگون شده تا بنیز در این راه در خدمتش بودند. بطور خاص برادر معدومش که مهربه ای حاس از ارتش فکرتسلطی شاه بود کمکهای موثری برای انجام میداد، و نیز نقش همیشگی یکا رتشی ضد خلقی را بخوبی به انجام رساند. توسط ده دسیسه چینی آنها، وقتی توانست بخوبی موثر افتد که با استفاده از شیوه های معمول و شناخته شده دیگر مائو قدرت دست به ایجاد اختلاف و جنگ در بین روستائیان زدند. فرمول نیز غلیبی ساده بود، چند نفر مسلح را پیدا کرده، گاه به گاه به ده حمله کرده و آرایش مردم را سلب میکند، چند نفر از اهالی ده نیز غریبه شده و گاه با همگامی آنها و گاه خود مستقلاً به حریم دیگران تجاوز میگردند، نتیجه از قبیل شمش است، درگیری و سرخورد بین اهالی که عمدتاً به تنگنا نبود کردن مرز روشن شدن خانه ها در آمد و بنیاد آن کوچ کردن همه، اهم از تحریک فدکان ویا دیگر مردم ده و بنیاد آن تا مدتها در زمینه برای تسلط آریاب.

ولی اوضاع و احوال متغییر اجتماعی، به آریاب اجازه نداد که علیرغم این جنا پشیا، به زمین مورد نظرش دست یابد چرا که تغلیبه ده، با شکل گیری جنبش خلق ما، همزمان شد و دیگر آن غرابی مطلوب در جزیره ثبات آریاب برای غارتگریها، نسبی توانست محفوظ باشد. ساکنین روستا به شهر گریختند و در راه های بیسی در رجان مستقر شده به کارهای بیسی شیبه آن مشغول شدند. ده مغربه به آنها نه تنها هیچ مکانی را برای بازگشتشان در خود حفظ نکرد بود، بلکه ترس از آریاب نیز شرا پتی را بوجود آورده بود که آنها را حتی از فکرتبا زکشت به زاد و بومشان نیز منحرف کرده بود.

امید مردم در جهت محیط مبارزه تقویت میشود:

مبارزات امیر مردم غلیبی چیزها را موهوش کرد، روستائیان

میاهدین شاه رجان که آرا ز تشکیل، تلاشهای وسیعی در جهت حل مشکلات مردم و کمک به برنامهای مردمی مقامات استان انجام داده بود، برای این طریق را به عهده گرفت و به خاطر گستردگی وسعت آن بنا همگامی جوانان مجاهد و فعال تهران دست بکار انجام دادند.

طرح بازسازی روستا

آنچه که از این ده اینک باقی مانده است به جرئت می توان گفت که قابل استفاده نیست. زمینهای حاصلخیز آن مدت است که بدون کشت مانده، خانه ها و منازل سنگونی همواره خراب، سوخته و غیر قابل سکونت است. ولذا نیازمند به بازسازی کامل میباید. ساختن ۳۸ بستگاه، منزل، یک باب حمام، مدرسه، مسجد و بنا لفا نه برای آن ضرورتی است طریقی که اکنون در دست اقدام است محدود به ساختن خانه ها است و آنگاه اندازه ای که توان و امکانات ما، نیروی انسانی، مالی و اختصاصی و وقت محدود اجازه میدهد.

انجام چنین طرحی نیز به ضرورت عینی

سرمایه دارانی که عمری خون کارگران را بکده اند با حکم و دستور رسمی، کارخانه ها بازگشاید. اینان عوامل بنیادینی کارگران و کارمندان را فراهم ساخته اند. و از آنجا که متراف کارگران در این زمینه به نتیجه نرسیده، با مت زدگی و دلزدگی آنان شده است. تاثیر این جریان را در کم و کیف کار در محیط کارخانه میتوان دید. کارفرماها و سرمایه دارانی که حتی چشم دیدن بهبود در وضعیت کارگران را ندارند، بر دنگ کارگران و احقاق حقوق آنها متضاد با منافع خود میبندند، همگی دست بدست هم داده، با نقشه های حساب شده سعی در محروم کردن کارگران و کارمندان از حقوق حقه خود دارند. و امروز کارخان به جایی رسیده که با نفوذ در سیستم حاکم به خود جرئت دستگیری و توهین نمیکردند. ان و کارمندان را نیز میبندند. در میان تمام موضوعات مربوط به داری و ایست، به تیر حملات آن توجه تنگ کارگران است، که ان خود دلیل، بروخت آنان از متحد شدن کارگران و کارمندان میباید. و از آنجا که همیشه دشمن به جایی که بیشتر نامش را خطر میاندازد حمله میکند، مطلقاً به شوراهای در مواردی دفاع از سندیگاه می تواند. دلیلی بر حقانیت آن باشد. سازماندهی شده است اگر تصور خود با دست روی دست گذاشتن و مبارزه نکردن با سرمایه داری و ایست امیر بالیم میتوان به فقر و رنج توده های مستضعف و بخصوص کارگران پایان داد. آری آنان به گرسنگی خانواده کارگران و بی مسکنی ویا گرفتاریهای ناشی از سلطه نظام سر - مایه داری و ایست بر زحمتکاران میسوزد. مثال سرمایه داری و ایست با استعمار و نظام امپریالیسم با زحمتکاران تحت شتم مثل گرگ و گوسفند است. گرگ آرزو دارد

مقدامات و تمسیدات زیاد دیدارده ولی نیاز زمزم روستائیان و محدودیت زمانی ایجاد میکند که سریع دست بکار شد، نقشه ساختن خانه ها تهیه شود و اولین سری دانش آموزان در او غسر



خردا برای کار به منطقه اعزام شدند. در اوایل اشکالات زیادی برای کار وجود داشت، و بعد از لحاظ شرایط زمستانی اردو مثل چاه و غذا و... وجه مسائل کارگاه.

جوانان پر شور با سازندگی روستاها خود را میسازند:

تقریباً هیچ ایماکنی برای زیست وجود نداشت، باید گیسر کله برانکده و بدون حفاظ باشد. مگر همین رژیم شاه نبود که سالهای سال با تفرقه و سرکوب تشکیلات سیاسی انقلابی خلق ایران، تشریفاتی ملی و دستخیز خلق را به دهان امیر بالیم می ریخت. ولی از زوری که مردم متحد شدند عقب نشست و سرانجام برانود آمد. وضع سرمایه داران وابسته و بزرگ هم همینطور است و بایستی کارگران - خانجات با نیروی اتحاد و تشکل در شوراهای کارگران بر سرنوقت خویش حاکم گردند.

در جاییکه دشمن آزادی کارگران از قید استعمار کمزگی، شب روز در حال توطئه میباید. ضرورت کارگران و کارمندان صدیق کارخانجات بعنوان یک طبقه انسانی و یکسلی ملبه توطئه امیر - یا لیسم اختلافات باقی مانده از رژیم سابق را حل کرده و در شوراهای کارگران از حقوق خود دفاع کنند.

لزوم شوراهای نظارت حاکمیت خلق بر سرنوقت خود:

حاکمیت کارگران و کارمندان بر سرنوقت خویش مهمترین بخش از حاکمیت تمامی خلق بر سرنوقت خویش است. انسان آزاد آفریده شده و این حق است خدائی که اجرای آن به دست خلق و در جهت نفی استعمار و بهره کشی انسان از انسان عملی میشود. بفرموده قرآن حتی به غیر هم حق تسلط جبری و آمرانه را بر سرنوقت دیگری را ندارد. *انما انت مذکر کس علیهم بصحسیر*، ای پیغمبر تو فقط نشان دهنده راهی، موقت تسلط و سلطه جویی بر کسی نداری. چه رسد به قدرتی که با هیئت استشارگران و ضد مردمی داشته باشد. اگر بخاطر آوریم کسانسانها برای دفاع از حقوق خود جبرا با حالتی دست جمعی و متشکل عمل میکنند، ویا در طول تاریخ پیروزیهای مستضعف بر دشمن اصلی انسانها مانند نظام برده داری و

بودن منطقه و بخصوص گرد و خاک مستمر، زندگی در چاه در را مشکل میکرد و تا قهای قابل سکونتی هم نبیزه آن شکل وجود نداشت ولی آنها از همان اول دست به کار شدند. چندینا در نصب شد و



اتاقهای معدودی نیز آماده سکونت گردید. در یکی دوسوم اتاقهای پهن را تخلیه کرده و بعد از نظافت در آنها ساکن شدند. مشکلات کارسیز زیاد بود. روزهای اول حتی از لحاظ بیل و کلنگ و دیگر وسایل کار در منطقه بودند. نقشه ساختن آنها بقیه در صفحه ۲

فکودالیم همیشه با اتحاد و تشکل خاص آن دوره تاریخی میسر بوده، ستوانیم نتیجه گیری کنیم که لازمه مبارزه با امیر - یا لیسم این پیچیده ترین دشمن خلفیا، داشتن یک تشکیلات پیچیده انقلابی است. کسانی که میگویند کارگران قادر نیستند در اداره شوراهای کارگران سانهادهای صنعتی نقش داشته باشند، دانسته یا ندانسته آبه آبیاب ضد انقلاب میریزند. نیروهای اجتماعی وسیعی را از شرکت در سرنوقت محیط کارشان محروم میکنند. و بر تفرقه و اختلاف داخلی کارگران دامن میزند. کارگران را نسبت به قدرت عظیمی که در اتحادشان نهفته است بی خبر نگه میدارند. و زمینه را برای آزادی دست و ایستگان امیر بالیم فراهم میسازد. و روحیه انقلابی کارگران را مخدوش میکند.

ضرورت شوراهای بعنوان گامی در جهت مبارزه ضد امیر بالیستی:

در شرایط کنونی مناسبترین شکل برای ادامه مبارزه عدا میریالیستی خلق - های برابر ایران تشکیلات شورایی است. که بتوانند روابط و مناسبات شورایی را بین خلقها مستقر کرده، آزادی ضروری را تأمین نماید و همه نیروها را متشکل سازد. در غیر این صورت هیچ شکل دیگری نمیتواند ضمانت حاکمیت تمامی مردم بر سرنوقت خودشان باشد. بشارت دیگر شوراهای مناسبترین شکل، برای تضمین مستحوی عدا میریالیستی مبارزات مردم است. می بینیم که امیر بالیم آمریکا و لیبرالیسم سازشکار و مرتجعین داخلی با توطئه های بنیاد افکار خود هر روز در سپین ما بخصوص در محیطهای کاری، سعی میکنند که اشکال بدون محتوایی از الگوهای نوع سرمایه داری را به کارگران تحمیل کنند. بقیه در صفحه ۲

ضرورت عینی...

مقاومت در برابر این سببه‌های سرمایه‌داری وابسته و اقدام به تشکیل حفظ و گسترش شوراهای کارکنان همان رسد منتفعین کارگریه حقوق منفی - سیاسی و ایدئولوژیک آنهاست. این عمل برای ادامه مبارزه‌ای است که با سقوط دیکتاتوری آبراهامی، آغاز شده است. و از نیازهای اساسی تداوم انقلاب مردم است و ضرورت تشکیل شوراهای از بنیان خودیست.

در شرایط فعلی و مرحله کنونی انقلاب، برای تحقق خواسته‌های قانونی کارگران و کاربنانان باستانی این دو محل کار خود دست به تشکیل شورای واحدی از نمایندگان واقعی خود بزنند. شورایی که بتواند پاسخگوی تمامی نیازهای منفی- سیاسی و ایدئولوژیک آنان باشد.

ضرورت شوراهای در رابطه با امامتداری صنایع و بهبود مدیریت

دولت نیز بعنوان وظیفه‌ای ملی و تعهدی که درقبال خلق ایران دارد بایستی تمام کارخانجات سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم و همچنین کارخانجات سرمایه‌داران بزرگی را که الهیاتی سال شیر جان مردم را کشیده‌اند واقف

ملی نموده، نمایندگان مالی بااهمیت مردمی برآن کارخانجات بگذارند. از طرف دیگر شوراهای کارکنان نیز با طرح خواسته‌های سیاسی خود بایستی بنامبند دولت در این کارخانجات و یا نماینده کارفرما در موسسات خصوصی کوچک بفرود حق- طلبانه در جهت رسیدن به وضع عادلانه خود، درجهت گردن چرخ صنایع کشور داشته باشند، و همگام با استغای حقوق خود، درجهت گردن چرخ صنایع کشور افزایش تولید و بهبود اقتصاد کشور گام سازنده بردارند.

ضرورت شوراهای در جهت جلوگیری از تلاش‌های ضد کارگری

آنچه ضرورت تشکیل کارگران را در شوراهای بیشتر می‌کند، در رابطه با طرح‌های خاصی است که امروزه در جامعه شکل می‌گیرد. هدف آنها ایجاد محدودیت اعمال فشار بر کارکنان و جلوگیری از حرکت جمعی آنها در مسیر خواسته‌شان میباشد نیروی ویژه نمودی از آن و با اصطلاح برای برقراری نظم در کارخانه است. مورد اعتراضی گسترده کارگران قرار گرفته است. محتوای این نیرو، ضد کارگری میباشد. تنها از طریق تشکل و همبستگی کارگران و اقدام صحیح و قاطع شوراهای است که میتوان از سیاستیک شدن جریان ضد کارگری جلوگیری کرد.

گزارش سازندگی...

در حین کار تکمیل شد و با لطیف دوباره کارهای باقی را به پیش آورد. ولی اراده پر شور جوانان آنها را پشت سر گذاشته و مصمم به اجرای طرح پرداختند. کمبودها و نارسا فیهایی موجود با کمک های ذی‌فکمی که مقابلهات استان کرده‌اند تا حدی برطرف شده و هم‌اکنون به تسدای از خانه‌ها گنده شده و بعضی از آنها نیز دیوارچینی شان شروع گردیده است.

بطور متوسط بین ۱۵۰-۱۰۰ نفر از دانش آموزان در آنجا مشغول کار هستند، برنا مسکن زندگی روزانه آنها، از ساعت ۵ صبح آغاز می‌شود، که پس از ادا نماز صبح و ورزش دسته جمعی و صرف صبحانه ساعت ۷ صبح در معیت سرپرستانشان به سرکار می‌روند و تا ساعت ۱۲ عصر در آنجا با مطالعه ساعت ۱۰/۵ - ۱۰ ربه استراحت و صرف چای می‌پردازند، بعد از آنجا مکار روزانه و صرف نهار و ادا نماز، برنا مسکن می‌مانند و آموزشی جوانان شروع میشود

مطالعات گروهی با فسردهی برنا مسکنهای آموزشی اردو، - استراحت و قدری بازی، مطالعه روزانه و بحثهای جمعی، بقیه برنا مسکنها را تا شب تکمیل میدهد. در اردو برنا مسکنهای جمعی جریانده دارد، اما از کار زندگی و آموزش و مطالعه و بی تردید این برنا مسکنها در لابردن روحیه جمعی بچه‌ها و رشد و ایدئولوژیک آنها نقش بسیار زیادی دارد. این را میتوان در سرخوردنها و اظهار نظرها نشان بخوبی دید، بخصوص که مدیریت مشکلات و سختیهای اردو، چه از لحاظ شرایط اقلیمی، آب و هوا و کار بردنی، وجه کمبودهای رفاهی و آموزشی، با علاقه و شور به کارشان میشوند.

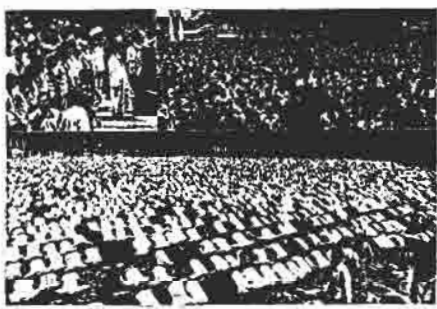
البته گمان زیاد پیدا میشوند که بعد از مدتی توقف در اردو و مجبور به ترک آن هستند ولی عمدتاً مشکلات و مسائل مختلف منجمه وضع درسی و معاشی آنها را به اینکار روا میدارند و کمتر کسانی هستند که مدیریت آنها را دشوار دانند، کارگرهای منفی برای اردو متصور می‌شوند. در حال، در این گوشه از

میهمانان کار، ریه‌های و سازنده جریان دارد، کارهای که عمدتاً بر روحیه و شور انقلابی جوانان متکی است. همان انگیزه‌های پاک و انسانی که آنها را به مسرمینا رزات قددیکتا توری و امیربالیستی کشانده و اینک آنها را در شکل دیگری از این مبارزه بکار گرفته است. این سرمایه‌بگروها ارزشی است که در صورت وجود آن میتوان بزرگترین سدها را شکست و از زمین سردرد را اینجا تجلی اش را می توانیم در انطباق این عزیزان با شرایط سخت اردو، و دوری از زندگی شهری و غانوادگی ببینیم، جوانانی که بی‌تردید برای ما نویسنده تولد ما نمای می‌شود و تازه ربه همراهمان دارد. مخصوص که در شرایط فعلی، گرمای مردانه و روزه‌های ماه رمضان، مزید بر علت میشود بر استی قدم گذاشتن در جریانهای که سازندگی انسان را بدنبال دارد، ویرا آنها را آید و (هم) را بوجود می‌آورد. مشکلات مردم را تحمل میکنند که سعادت نیست، بخدا پیار و پیاورشان باشد.

نماز وحدت...

قشونترابا ورد جلو، حال لاکه از پخت برده می آید آشکار می‌باشد. یا همه یا دید می‌بینیم یا استعمار در تمام دنیا دفن خواهیم کرد! اگر جمعی خود نمیشنیدند

آنچه در گرمای ظهر جمعه مغفوف فشرده جمعیت میلیونی مردم آنرا نشان داد که در یک کلام نماز وحدت ناشی از نیازهای یکپارچه و وحدت بود، بقیه آیه الله طالقانی وحدتی که



عکسی از مراسم نماز جمعه که در دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم با حضور جمعی از دانشجویان و کارکنان دانشگاه، نماز جمعه برگزار شد. در این مراسم امامتداری صنایع و بهبود مدیریت، نماز وحدت برگزار شد.

گزارشی از بزرگترین...

ها را نشان دهند. در این محیط صمیمی برادران کارگر و کارمند بدون از روابط فاسد و پرازمونطن دوران رژیم طاغوتی در کنار هم نشستن. آنان با حرکت در جهت کسب حقوق اجتماعی و شرکت فعال در سرنوشت خود، از یکطرف رشد اجتماعی، وحدت و تشکل خود را نشان دادند، و از طرف دیگر شکرانه میراث خونبار شهدای انقلاب را بحال آوردند. زیرا که هدف از انقلاب و شهادت عکوفانی خلق مستضعف بود. و امکانات و نعمت آزادی فراهم گشته نیز هدیه شهادتیه، اسارتها، شکنجه‌ها، و رنجهای گذشته‌است. باشد که با بهره‌گیری هر چه بیشتر از امکانات و شرایط اجتماعی، درجهبران جامعه پیش اریبش شکوفاترند و تشکل و انجام باشد. بر مکن هر که در شرایط موجود در راه ایجاد، گسترش و حفظ این قبیل شوراهای و اتحادیه‌ها سنگ بنیاد خون شهدای ما را پامال کرده‌است.

هوشیاری انقلابی نمایندگان

آنچه این اتحادیه را تونید بهتر میکرد، هوشیاری انقلابی بر خلی نمایندگان بود. یکی از آنان در باره ضرورت اتحاد و تشکل در شوراهای از روش‌های انقلاب و تجربه آنان سخن می‌آورد. نماینده ای دیگر هوشیاری می‌گفت: ما به عناصر وابسته بریزیم سابق و اخیر عده کارفرمایان آبرامی اجازه نمیدهم که ما را زمین بزنند، با اتحاد ما را از ماکر متلا- شیان کنند. اگر کارفرمایا بخوانند کنگره و تشکلات ما را بهم بزنند باشد، می‌باید این کار را بکنند. ولی بدانید که مولا ما روش مقابله با آنها را میدانم. نبود دیگر این هوشیاری وقتی

آشکار شد که نمایندگان بهیچوجه حاضر نبودند از خواست خود یعنی بر فعالیت شورائی، و نه سندیکائی، که مرنا صنفی باشد، عقب‌نشینی کنند. و این نشان دهنده درک عمیق کارکنان از تفاوت شوراهای و سندیکاها بود. بر استی طرح شوراهای علاوه بر داشتن مزایای طرح سندیکائی، از ویژگیهای سیاسی- ایدئولوژیک نیز برخوردار است.

اساسنامه و قطننامه اتحادیه، و رهنمودی برای کارگران سراسر کشور:

در این مجمع شورائی مرکزی اتحادیه دبیر اتحادیه و... انتخاب شده و پس از تصویب اساسنامه و قطننامه، ادا مکار- های اتحادیه به آئینده موکول شد. اساسنامه و قطننامه اتحادیه شامل

اساسنامه اتحادیه

۱- هدف: "هدف از تشکیل اتحادیه شناخت و تضمین حقوق اجتماعی، صنفی، فرهنگی اعمال، و همچنین تشکل ساختن وجهت دادن و هماهنگی فعالیتهای اجتماعی و صنفی و فرهنگی اعضا" درجهت تقویت و پشتیبانی، از حرکتها و خواسته‌های انسانی جامعه، و نیز دفاع و کسب حقوق اجتماعی و صنفی و فرهنگی اعضا. بر اساس موازین اسلامی، برای دست یابی به جامعه بی طبقه توحیدی می باشد. "تلاش در جهت ایجاد صنایع ملی و صنعتی شدن واقعی کشور، و ازین بردن وابستگی تکنولوژیک به کشورهای خارجی، و بطور کلی مشارکت موثر در سیاستها و خط مشی‌های سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران، و شرکتیای تابع و وابسته، و همچنین مشارکت در انتخاب مدیران و

ستولان و اداراها مورش رکتیای تابع و وابسته تضمین حقوق سیاسی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی اعضا، شوراهای بعنوان هدف اتحادیه، با اینگر رشدهایی جریانی کارگری از فعالیت‌های صنفی و سندیکائی به شکل شورائی است. جالب اینکه نمایندگان معمولاً بر مضمون اسلامی شوراهای تکیه میکنند. به روش شورائی اداره امور که در زمان پیغمبر (ص) و علی (ع) بنیادهند. استناد می‌نمایند. آنان تمامی تلاشهای رسمی و غیر رسمی را که می‌خواهند کارگران را به فعالیت صنفی محدود کرده، و از حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محروم کنند محکوم میکنند.

فاطمه امینی

زننده و پرشوری ذات که هرگز نشانی از ضعف و دلنگی در او چشم نمی خورد، او در برتونگش توحیدی خود، مشکلات و سختیهای مبارزه را از لوازم تکامل و ارتقا انسان می دانست. در نامه‌ای به یکی از شاگردانش چنین نوشت: "خدا پرستان با بدان کارکنان روزگار خرسند بوده، تحول و تلاطم آنرا بخود تیر پیگ بگویند. زیرا هر قدر شریبش برود جریسان روزگار (با نغدیر و خواست خدا) او را محتاجتر، آماده تر و زودبختتر، ببرد طریق حق می نماید... امیدوارم در مقابل (دشوارهای زندگی مانند کوه استوار و پابرجا باشی و همه آنها را با پشتی بیشتر و اندیشه عمیق تحمل کنی، تا بجای برسی که واقفا "احساس کنی هیچ ناراحتی نداری..."

تمام

شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

بهترین نحوه تشکیل مجلس بررسی قانون اساسی از طریق شوراهای مردمی است شرکت فعال نیروهای انقلابی، آنها را از خطر سکتاریسم و پرت افتادن از توده‌های مردم دور خواهد ساخت

شرکت در انتخابات مشروط بر حق استفاده متساوی از رأی دولتی و یون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروه‌ها می باشد.

در این بنامه پس از تشریح اهمست تعیین کننده و سرنوشت‌ساز قانون اساسی نقطه نظرهای اصولی خود را در مورد این مسأله بیان نموده و شقوق مختلفی نیز برای نحوه انقلابی تصویب آن عنوان کرده بودیم. این نقطه نظرها و راه حل‌های مختلف که امروز نیز نمیتوان هیچ‌کدام از آنها را رد کرد، دست بطور خلاصه به شرح زیر بودند:

۱- آن قانون اساسی که می‌خواهد اساسترین و مهمترین اصول و روابط حاکم بر تمامی خلق را مشخص کند، تنها با اشتراک نمایندگان آن خلق، قابل پیروزی است. و الا اراصالت، مشروعیت و حقانیت ملکی برخوردار نیست.

۲- پیروزی چنین نظام‌نامه‌ای تنها در عهده یک شورا یا مجلس تمام خلق است که گاه موسسان نیز نامیده می‌شود. در همین رابطه بایستی از رسالت و مسئولیت مضاف مجلس مورد نظر امروز کشور ما نام برد. که بر حسب نتیجه درخشان فرماندوم، پیروزی نظامی بر اساس اسلام را از جانب این خلق قهرمان بر عهده دارد.

۳- بهترین نحوه تشکیل این مجلس از طریق شوراهای مردمی است که می‌بایست در برابر کشور تشکیل شود.

۴- در صورتیکه برپای این شوراها "فلا" مقدور نباشد، تنها راه حل‌البسیه عادلانه ای که باقی میماند، تشکیل مجلس موسسان از طریق انتخابات سراسری است.

علاج قطعی در ده‌های میهن؟

البته این نقطه نظرها و راه‌حل‌های مختلف در صورتی اعتبار دارند که ما خود را الزاما به تشریح در گرداندن قانون اساسی موظف ندانیم. حال اینکه به اعتقاد ما

مجاهدین خلق ایران تصویب یک قانون اساسی حتی در بهترین صورت ممکن نیز علاج قطعی در ده‌های این‌میهن و مافیای انقلاب نیست. چراکه رنج اصلی این‌میهن ستم‌زده در درجه اول به دلیل فقدان مفرات بوده، بلکه به طرز ممتد تا شدن امیران استبداد و پانگاه‌های ارتجاعی داخلی آنهاست. یعنی همان کسانی که هیچ قاعده و قانونی را جز جبار و غارتگری نمی‌شناسند. علیهذا درد اصلی‌نه درد بی قانونی، بلکه درد قانون شکنی است. و به همین دلیل تاریخ‌ساز شدن کامل استعمار طبقات و سباده‌ها و تأملیات امیرالیستی، ما به هیچ وجه تدوین قانون اساسی را یک امر مرم و بلا درنگ تلقی نکرده‌ایم.

بنامه مورخ ۱۷/ خرداد/ ۵۸ در اینباره چنین می‌گوید: "بظنر ما اگر کسی بگوید تا پایان موفقیت‌آمیز مرحله بعدی انقلاب، یعنی تا حواله آثار ستم‌امیر-الیستی و وابستگی‌های استعماری و فرهنگ سلطه نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و غیره، نیازی به موسسان و قانون اساسی

جدید نداریم، استدلال درستی است. چرا که اول باید همه پانگاه‌های نفوذ استعمار را در میان مردم از بین برد. و آنگاه فارغ از هر فرد و گروه وابسته به استعمار، و ماری از هر تأمل ارتجاعی به تصمیم‌گیری در مورد سوابق اساسی حاکم بر حیات مردم پرداخت. دلیل این مطلب نیز بسیار روشن است، چراکه استعمار و پانگاه طبقاتی ریشه‌کن نشده‌اش، طبعاً اثر ضد انقلابی و گارتخانه خود را بر هر گروه و مجلس و قانون اساسی که بخواهد در چنین فضای تصویب شود بر جای خواهد گذاشت.

اهمیت این مطلب بعدی است که حتی وقتی خود امیرالیستی‌های مریکائی بخواهند در ایران طرح اصلاحات ارضی را بنظرو اسما، فتودالیزم، و میدان دادن به سرمایه‌داری وابسته بخودشان، از طریق مجلس و قانون پیاده کنند، موفق نشوند. به این معنا که انتخابات و مجلس دوره بیستم قانونگذاری در ظرف کمتر از ۹ ماه دو بار با توافق آنها باطل و منحل اعلام گردید. (یکی در زمان اقبسال

شهریور سال ۱۳۰۹ و دیگری در زمان شریف امامی اردیبهشت سال ۱۳۰۵) اینطیال انتخابات اقبال و انحلال مجلس شریف امامی صرفنظر از ناراضی عمومی، تا آنجا که بخود امیرالیسم آمریکا مربوط می‌شد، ناشی از آن بود که نفوذ و تأثیر فتودالیا بر انتخابات و مجلس بعدی بود که بهیشت برین طرح اصلاحات ارضی را از طریق قانونی و پارلمان معمول نامکن می‌ساخت بنابراین مجلس قانونگذاری ناقص و کمال فتودالیزم و بعد از بازنده خرداد تعطیل ماندند.

ملاحظه می‌گردد که در صورت اامالت نقطه نظرهای اصولی فوق‌الذکر هیچ تردیدی روا نیست.

چرا در مجلس خبرگان یا بررسی قانون اساسی، شرکت فعال می‌کنیم

لکن با اینکه، به دلیل مجموعه اوضاع و احوال و شرایط کنونی، برای شرکت فعال در مجلس خبرگان یا بررسی قانون اساسی (که از حداقل خواسته ما نیز بسی پائین‌تر است) نیز اعلام‌امادگی نکرده‌ایم، معرفی‌کننده‌ایم اقدام کردیم مشروط بر اینکه حقوق زیر از جانب دولت تضمین گردد.

الف - حق نظارت بر نحوه‌های گیری و حفاظت از صندوق‌ها و شمارت‌ها.

ب - حق استفاده متساوی از رأی و یون و تلویزیون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروه‌ها.

دلیل ما برای شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی و معرفی‌کننده‌ایم، علی‌رغم تمام محدودیت‌های موجود و مملکت مستقیم و غیر مستقیم گروه‌های فشار، در این جمله خلاصه می‌شود که: با توجه به تمام اوضاع و احوال

سیاسی و اجتماعی حاضر، در مجموع شرکت کردن خود را بر شرکت نکردن ترجیح می‌دهیم. همان‌جا که حتی تاگزیر ندانیم برای کام برداشتن در مسیر وحدت‌سیاسی، گروه‌های تفرقه‌خواه سلمان، قهرت مشترک از کاندیداهای ما، به‌بیشتر که بعضاً "بدلیل نحوه برخوردشان با قلیبهای مسلط قدرت (آنچنان‌ها همگی اجتماعی و ایدئولوژیکی با ما دناشته و، علیهذا چندان مورد قبول طرفدارانمان نبودند، لیکن ما بدون اینکه قصد معامله یا رای جمع کردن هر چه بیشتر داشته باشیم پذیرش یک قهرت مشترک را در رابطه با کل منافع انقلاب ایران، در شرایط موجود ضروری‌تر می‌دانیم. زیرا ارزش روشن‌است که با توجه به ضعف کمی و تکنیکالیستی نیروهای آگاه و انقلابی در سطح جامعه، هرگونه تلاش برای رای جمع کردن نیز نمیتواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای در نتیجه آراء بسود ما داشته‌باشد. بویژه که ما هرگز نمیتوانیم در سیر جلب آراء از اصول مکتبی و انقلابی خود عدول کنیم.

بسیار حال دلایکی که با مجموع شرکت کردن ما در انتخابات مرجع و اجتناب ناپذیر نمود بطور خلاصه‌ای این قرارند:

۱- پاسداری از ارزشهای مکتبی اسلام راستین - برای اینکه درمان‌انبوه آنچه بنام اسلام و قرآن عرضه می‌شود، حق را از باطل و انقلاب را از ضد انقلاب مجزا کنیم. لازم‌است با توده‌های مردم از یک موضع فعال مواجده شده، و حقایق امور را با آنها در میان عمومی‌داریم. بعمارت دیگر از آنجا که تدوین یک قانون اساسی که مطابق با ایده‌آلها و راه‌حل‌های حقیقت‌اسلامی باشد کار فوق‌العاده خطیر و سرنوشت‌ساز

زی است، و انقلابیون سلمان نمیتوانند در این رابطه بی تفاوت باقی بمانند. بکن همان ضرورت‌هایی که در طی سالیان دراز بردش آنان تلاش می‌گذاشت اکنون قلم در کفشان می‌گذارد و با آنها را به پشت بلندگوها می‌کشد. آنها وظیفه دارند تا در قبال قوانین سرنوشت‌ساز و اساسی، ارزشهای مکتبی را در وسیع‌ترین سطح ممکن به‌سرورت ارائه‌کنند. برای ما قبل از آنکه مسأله این باشد که این ارزشها بصورت قوانین مدون و مصوب و پذیرفته شده درآید، آشنائی توده‌های مردم با این ارزشها مطرح‌است. بدین ترتیب بجای آنکه به قیام و قیودهای پارلمانی (یک یک چند ارزش و قانونی را می‌دیدند و یک چند نیز بخلاف آن تصویب می‌کند) چشم دوخته باشیم به ارتقا و جحان و آگاهی توده‌ای نسبت به ارزشهای ستمگرای بخش اسلامی نظر داریم. همان ارتقا

سلح شعور و بینش اجتماعی - مکتبی که در مسیر افزایش خودسرنجام آن شرایط ذهنی را که لازمه یک انقلاب پیروزمند حقیقتاً "اسلامی" است، تدارک خواهد دید. انقلابی که موانع را مکل اجتمای مفردی نوع انسان را یکی پس از دیگری تا بوزول به قله رفاهی و یگانگی از میان بخواهد

داشت.

ملاحظه می‌شود که انقلابیون سلمان نمیتوانند چنین فرصت‌هایی را هر چند ناچیز و مختصر از دست بدهند. بنابراین بگذار تا توده‌های مردم بویژه طبقات محروم و تشرهای جوان‌سالانده با حقیقت اسلام هر چه بیشتر آشنا شوند. و بدینسان کاذب و ریاکار را از رهروان راستین بشش از پیش بازشناسند.

وقتی ما بلگرام پیروزند این مبارزه عادلانه ایدئولوژیکی مطش هستیم، وقتی میدانیم که همه انواع اسلام‌های (شرکت آمیز و طبقاتی و آمیخته به جعل تصدیق سرنجام مطلوب اسلام واقعی، ابراهیمی، محمدی، علوی، حسینوی، ... می‌شوند، پس دیگر از ورود به چنین مبارزه‌ای که بی‌جهت نیست که اشتراک‌ایان و مرجعین توجیح می‌دهند که عنصر موحد مجاهددم فروبند. و صحنه را به تمام و کمال برایشان عالی‌گذارند.

اینجاست که برای ورود هر چه فعالیت به صحنه ما ناگزیر می‌شویم که برای غننی نمودن توطئه‌های ارتجاعی، که تلاش دارد ما را به انزوا بکشد، در صحنه سیاسی دست به پیوند‌ها و اختلاف‌ناتی بزنیم که چسب در مواردی و از جهاتی کمال مطلوب نباشد اما بطور نسبی بی‌توانند تهدید اصلی (خطر راست) را خنثی و با کاهش دهند.

۲- پاسداری از دستاوردهای انقلاب - بی‌وسیج توده‌ای - در حالیکه در فرسوس و سازشکاری با مضامین ارتجاعی همان تلاش دارند که انقلاب و دستاوردهای انقلاب بی‌رایی اثر ساخته، و انقلابیون را بترک صحنه و ادارکنند، در صحنه سیاسی نیز ما مجاز نبوده و نمیتوانیم که میدان نبرد را عالی‌گذاریم. اگر چه بهیشت میدانیم که در یک مبارزه و سابقه ناآرامی‌سیاسی، ایدئولوژیکی وارد شده‌ایم که شرایط و توان‌تین آن را مانعین تمکیم، اما همین امکانات و فرصت‌های فوق‌العاده‌ای چیزی نیز که میتواند در اختیار ما قرار گیرد بازهم در درازمدت آنچنان تأثیراتی دارند که نمیتوان از آن‌ها صرف‌نظر نمود.

۳- پاسداری از آزادی - اعتقاد به اصالت آزادی انقلابی، در روند تکامل فرد و اجتماع ایجاد میکند که برای احراز آن هر فرصت و امکانی را، مستقیم بشماریم. و به اکتساب آن به هر صورت اقدام کنیم. ما اعتقاد داریم که بدون آزادی و احترام به اختیار و حریت بشری هیچ فضای برای تداوم انقلاب و تکامل فرد و اجتماع باقی نماند. بنابراین انقلابیون سلمان نمیتوانند در این رابطه هیچ فرصتی را نادیده بگیرند. اگر چه این فرصت‌ها با دیوارهای بلند انحصار-طلبی سخت محدود شده‌باشد. بویژه که میدانیم چنین دیوارهای می‌بگه بدون تکلف و فراع از تناقض و تضاد نیست.

۴- پاسداری از جنبه‌های وحدت ضد امیرالیستی یا دولت حاضر - از آنجا که تفاوت دولت حاضر با نظام گذشته سازی به تشریح ندارد، ما خود را موظف میدانیم تا وقتی که امکان تأثیرگذاری دموکراتیک و انقلابی بر وضعیت موجود ما مطالب نشده، بر جنبه‌های وحدت ضد امیرالیستی خود هر چه بیشتر تأکید نموده و در این رابطه تا آنجا که امکان داشته‌باشد موضع فعال و مثبت بگیریم. اگر چه بی-دانیم که این فعالیت لاقیل در مقطع حاضر نتایج چندان چشمگیری نخواهد داشت.

۵- پاسداری از وحدت نیروهای ترقی‌خواه سلمان - ضرورت حرکت هر چه بیشتر بجانب قوام وحدت ضد - استعماری تمام نیروهای خلق بطور اخص و نیروهای ترقی‌خواه سلمان بطور اخص نیز شرکت فعال ما را در انتخابات اقتضا میکند. توضیح اینکه استنادگی و مقاومت در برابر اردوی راست که می‌رود تا به تنها خود بلکه اسلام و انقلاب و رهبری را نیز مغدوش و بی اعتبار سازد، در قدم اول تنها و تنها با هم‌انگی و مملکت متحدان انقلابی و رادیکال و ترقی‌خواه‌اسلامیان امکان پذیر است. و اینهم چیزی است که در چهارچوب‌هایی نظیر همین مسأله انتخابات میراست. یعنی بر سر مسأله‌ای که هر نیرویی تاگزیر به موضعگیری است. که ضرورت موضعگیری، ضرورت ایجاد و یا نفی یک سری رابطه‌ها را (در جهت وحدت با نیروهای نظیر و در جهت بریدن دور شدن از نیروهای ماهیتاً "متخالف") پیش روی می‌گذارد.

اکنون با توجه به موارد فوق‌متوان نتیجه گرفت که دیگر عدم شرکت در انتخابات بهیچوجه قابل قبول نیست، و به بیان دیگر وفاداری به وظایف و رسالت‌های برای و انقلابی شرکت هر چه فعالیت‌ها را اقتضا میکند. بخصوص که معتقدیم شرکت فعال نیروهای انقلابی صرفنظر از اینکه آنها را از خطر سکتاریسم و پرت افتادن از توده‌های مردم دور خواهد ساخت، امری انفا-کامیت را با کارانه و اصنام‌طلبانه مدعیان کاذب اسلام و مردم را نیز تسریع خواهد نمود. معاشا که متأسفانه در زیر لوای انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب از هیچ فرصت‌طلبی و قسرت ابائی ندارند و امام نیز بارها تا فراموشی خود را از این موضوع ابراز کرده‌اند.

گذشته از اینها، خلق ما با ورود در یک تجربه انتخاباتی میتواند درصدد اصلاح آزادی‌ها را حکم زده، و از این میان متعاب‌ترین راه‌ها را برای استمرار انقلاب خود برگزیند.

مجاهدین خلق ایران
۳۱ / تیرماه / ۵۸

فهرست نامزدهای مشترک

مجلس بررسی قانون اساسی در برخی استانهای کشور:

- جنش - جنبش انقلابی مردم سلمان ایران (جاما) - سازمان اسلامی شورا (شاشا) - سازمان مجاهدین خلق ایران

آذربایجان شرقی:
۱- آقای احمد حبیف‌نژاد
۲- آقای حسین خسرو شاهی
۳- آقای حاج موسی شیخ زادگان

خراسان:
۱- آقای طاهر احمد راده
۲- آقای منصور بازرگان
۳- آقای دکتر محمود دل‌آشایی
۴- آقای دکتر سروس‌سها یقیه در فقه* ۸

قانون اساسی و حیاتی ترین مسائل جامعه

قوانین اساسی بر کل روابط و مناسبات بین مردم حاکم است

قانون اساسی بر پایه دیدگاه ایدئولوژیک و نظرگاه اسلامی تدوین می شود، اهمیت آن دوچندان می گردد.

نظری گذاریم به تناسی سیستم های اجتماعی. به خوبی نشان میدهد که هر سیستم اجتماعی (با هر مفروضه - و محتوای اقتصادی - اجتماعی) برای تثبیت حاکمیت خودش، و برای اجرای برنامه ها و اهداف مورد نظرش، ناگزیر از تنظیم و تدوین قانون اساسی است.

زمانیکه انقلابی واقعا به پیروزی میرسد، نظامی کهنه در هم می ریزد، و نظامی نوین میخوابد یا بگریزند آن شود؛ این پایه گذار و بنیاد ریزی نظام جدید از طریق تصویب مجموعه ای از اصول و قوانین تعیین کننده صورت می پذیرد. که بر کل روابط و مناسبات (اعم از حقوقی، سیاسی و...) بین مردم حاکم است. به همین دلیل "قانون اساسی" نام دارد. بنابراین این قانون اساسی پوست و چرم حقوقی و فانونی حاکمیت یک سیستم اجتماعی را تشکیل میدهد. و این سیستم بدینوسیله خودمشرور و معیت بشنیده و مملکتهای خود را از اعتباری قانونی برخوردار میکند.

اهمیت قانون اساسی

قانون اساسی مشتمل بر یک سری قوانین و احکام اساسی و بنیادی است، که کلی ترین قوانین و روابط یک سیستم اجتماعی مشخص (مثلا سرمایه داری) را متعین می سازد. به عبارت دیگر سرانجام تمامی قوانین و روابط حقوقی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، و... جمهوری را تحت تاثیر و نفوذ اساسی ناشی می شوند. بنابر طبیعت قانون اساسی حیاتی ترین سند سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... موجود در یک کشور است که همه مسائل و مشکلات دیگر را بر اجراع به آن حل می شوند.

قوانین اساسی به هیچ وجه در زمره قوانین ماری نیستند بلکه منبع استخراج روح - حاکم بر قوانین عادی میباشد به عبارت دیگر برای قوانین معمولی نقش "مادر" را بازی می کنند، چرا که قوانین معمولی از قانون اساسی زایش میخورد و آن سرچشمه میگردد. به همین دلیل در حالی که در قوانین معمولی از "ماده" ۱۰۱ تا ۱۰۰۰ صحبت می شود، در قانون اساسی به

جای ماده با "اصل" مواجیم مانند "اصل" ۱۰۱ و ۱۰۰۰ این سبزه روشن است که تمام مفویات قانونی بعدی تا آنجا قانونگزاری دارد، که مخالف اصول قانون اساسی نباشد، و الا خود بخود منتفی است.

پس مبالغه نیست اگر گفته شود که قانون اساسی بنحوی ارائه، با سر نوشت و آینده تمامی افراد یک جامعه شمش (نه تنها نسل حاضر، بلکه نسلهای بعدی) در ارتباط است. زیرا از طریق قوانینی که قدرت حاکم بر اساس آن تنظیم میشود، تمامی افراد و احادیک جامعه در قید و بند قوانین و روابط عامی قرار می گیرند. و از امکانات حقوقی ویژه ای برخوردار میشوند.

در اهمیت قانون اساسی همین بس، که مهمترین مسائل حیاتی یک مملکت نظیر حقوق ملت، اختیارات دولت، قوه قضائیه، رابطه ملت و دولت، نحوه انتخابات و قانونگزاری و... تماما "به وسیله آن تعیین میشود. بدلیل همین اهمیت است که مجالس قانونگزاری معمولی (غیر از مجلس مؤسسان) از تغییر دادن و نسخ یا فسخ حتی یکی از اصول قانون اساسی نیز عاجز بوده، و برای تغییر آن مجدداً بایتی به یک مجلس مؤسسان جدید رجوع کنند.

تدوین قانون اساسی بر پایه یک ایدئولوژی

مشکل تدوین قانون اساسی زمانی اهمیت بیشتری پیدا میکند، و ضرورت برخوردار با آن جدی تر میشود، که ما بخواهیم قانون اساسی را در رابطه با یک دیدگاه ایدئولوژیک و نظرگاه فلسفی مشخص اسلامی مدون نسازیم. اینجا دیگر گذشته از تدوین قانون اساسی با تمام ویژگیها و مسائلی که بدان اشاره شد، (بطور عمده ارتباط آن با سر نوشت و آینده تمامی افراد جامعه) در حقیقت یک ایدئولوژی و مکتب است که به حاکم آرمایش گذاشته میشود، تا در جریان عمل و در برخورد با مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی امتحان خود را پس دهد. زیرا سرانجام معیار امانت یک ایدئولوژی و درست

و غلط بودن (واقعی یا غیر واقعی بودن) تئوریهات فلسفی آن، عملکردهای اجتماعی اش می باشد.

تدوین قانون اساسی در شرایط اجتماعی خاص در میهن ما، از جنبه ویژگی برخوردار است. زیرا اکثریت کسانی که میخواهند دست به تدوین قانون اساسی بزنند، مدافع اسلام تلقی شده، و میگویند که بر اساس اصول و موارد اسلامی چنین کاری را انجام خواهند داد.

اسلام با چه راهی نو

اسلام دین نو و سنی انقلابی آن در سبازات اخیر مردم، که منزه به سرنگونی رژیم فذغلقی شاه شد، نقش مؤثری ایفا کرد. این تأثیر گذاری با اندازه ای بود که باعث شده اسلام با چه راهی نو و متشاورت با گذشته، در صحنه اجتماعی ظاهر شود. (حتی در سطح بین المللی) در میان قشر جوان و روشنفکران جامعه ای نور تازه ایجاد کرد. بسیاری که بعلت مملکتهای مذهبی موجود در جامعه نسبت به مذهب اسلام بدبین شده بودند، گرایش نسبت به این ایدئولوژی پیدا کردند. زیرا بعد از ظهور سازمان مجاهدین خلق در پیله مبارزات - اجتماعی خلق ما، آن هم با تکیه بر ایدئولوژی اصیل و واقعی اسلام، (که تصویر انقلابی اسلام را عرضه میکرد) این در حقیقت ظهور بود تازه و مجدد در صحنه مبارزات اجتماعی (۱)

پس در شرایط حاضر از اسلام سخن گفتن و تحت نام آن به تدوین قانون اساسی نشستن، گذشته از مسئولیتی که خود تدوین قانون بعهده ما گذارده، با این مسئولیت را چند برابر می کند. درست است که هرگونه عملکرد اجتماعی و نادرست زیر لوای اسلام، نمی تواند به اسالت این ایدئولوژی هدیه ای وارد کنند، ولی در شرایط حاضر که غمناک و زنجیرها (چه در داخل و چه در خارج) چشم به این تجربه تازار دوخته اند، اگر قوانینی که تدوین میشود، نتواند مسائل و مشکلات اجتماعی حال و آینده را بطور انقلابی و اساسی حل و فصل نماید، نتیجه اش چیزی جز ضربه ای مجدد به پیکر این ایدئولوژی و تأثیرات بر نظرات کسانی که این ایدئولوژی را در ردیف سایر ایدئولوژی های میراثی طبقاتی قرار می دهند، نخواهد بود. چون برای کسانی که به اسلام اصیل و واقعی

آشنایی کامل ندارند، عملکرد کسانی که ادعای اسلام داشته و از قدرت سیاسی برای پیاده کردن نظراتشان برخوردارند، سبوحال ملاک و معیار قضاوت قرار خواهد گرفت.

تفاوت گذشته و حال

در گذشته بعلت حاکمیت رژیم دیکتاتور و خودکامه، طبیعتاً امکان پیاده شدن اسلام اصیل و واقعی، به حدی فراهم نبود. در نتیجه عملکردهای ارتجاعی و نادرست تحت پوشش اسلام، ضربه ای سنگین بر پیکر این ایدئولوژی وارد نمی کرد، و تا حدودی قابل توجیه بود. ولی در شرایط حاضر که دیکتاتوری ماقط شده است، اگر قوانین تدوین شده مطابق با روح و جوهر اسلام اصیل و واقعی نباشد، طبیعتاً آثار زیانبار و مملکت خود را خواهد گذاشت. لذا هیچ زمینه ای برای توجیه چنین مملکتهای در پیله غدا و خلق وجود نخواهد داشت.

در هر صورت توده های مردم حمایت بیدریغ خود را نشانر کسانی می کنند که می خواهند حکومت عدل اسلامی را در عمل پیاده کنند. اما این حمایت پایه دلیل اعتمادی است که به آیه الله خمینی داشته و پایه دلیل انظار است که از حکومت عدل اسلامی دارند، و اثر و در رابطه با الگوهای چنین حکومتی نظیر حکومت پیاپی، حضرت علی (ع) و... می بینند. ولی اگر از این اعتماد و حمایت در جهت بر آورد کردن خواست ها و نظرات مردم پیاده کردن اسلام اصیل و واقعی استفاده نشود، این حمایت سرانجام به ضد خودش تبدیل خواهد شد.

اگر جمهوری اسلامی که رای قاطع و اکثریت مردم به آن داده شده، در عمل به حاکمیت طبقه ای بر سر ابقا و روطقات اجتماعی تبدیل شود، و اگر اسلام و سابقه درخشانش عامل توجیه و مغروریت نماد و عقنان و طبعا "استثنای روبرو" کسی قرار گیرد، دیگر چگونه می توان انتظار داشت که بار این مردم (حداقل در کوتاه مدت) آنچنان که باید به اسلام اعتماد کنند.

مسئولیت و انتظارها:

بناظر درک همین مسئولیت تاریخی عظیم است که مجاهدین خلق ایران بر عهده خود میدانند که در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی که سنگ ستاد ایدئولوژیک و تاریخی است نقش فعالی بعهده بگیرند. برای ما مسأله این نیست که همین امروز نقطه نظرهایمان بصورت مصوبات قانونی وارد متن قانون شود. چرا که بخشی میدانیم که تا چنان که قضای

که اسلام واقعی و راستین قابل تصویب و تأیید باشد، هنوز قاطع زبانی باقی مانده است. به همین دلیل ما از حرکت فعال خود، مطلقاً چیزی بیشتر از - با زکوفی موضع گیریهای انقلابی اسلام، و بر اساسی ترین مسائل حیات و معاش مردم، انظار را نمی سزیم. بگذار آنها که میخواهند بخت کنند، و بهمنظر از همه گوش شنوای تاریخ آنچه باید بنشین کنند، باشد که اگر چه در فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی امروز این میهن تأثیر خمین کننده ای نداشته باشد، ولی سیر فردا را روشن سازد.

(۱) : آنهم با توجه به اینکه بعد از ضربه خیانت بار اپورتو - نیشتهای چپ نما، بسیاری از روشنفکران اعتماد خود را نسبت باین ایدئولوژی و عمل کرد انقلابی آن از دست داده بودند.

آیت اله طالقانی در مراسم

تقدیم منافع جنبش بر منافع گروهی

من فقط یک توصیه بشما دارم و آن اینکه بشاید، حول این شعار، بنفای استعمار و عوامل استعمار، بنفای استبداد و سبزه پوت و بنفای استعمار... رهبران مذهبی جوانهای مذهبی جوانهای دیگر فرور بافت شکست است، خودخواهیها، خودبینیها، جمعیت پرستیها، گروه پرستیها، عداوتی همین آیه است.

"تقطیعوا امرهم بینهم زیرا" یک حزب بعالی بنیم فرعون، فذره فی غمرتهم حتی همین (سوره مؤمنون آیه ۵۲) بگذار و فرودگذاشت خود را به پیچنده بکوفت متوجه میشوند که همه چیز را از دست داده اند...

کاری کنیم که در این مقطع تاریخ تکوین فلان حزب غیانت کرد و حرکت را متوقف نشود، انقلاب با منحرف کرد. فلان جمعیت چنان که مبرما در مقابل عمرتا ریخ، چیزی نیست با بدعده را در نظر داشته باشیم، و چنان عمومی و نسل آینده را در نظر داشته باشیم، آنها همان طوری که ما گذشتگان و زندگی آنها را تجربه و تحلیل میکنیم، اعمال ما را تجربه و تحلیل خواهد کرد. کار میکنیم که مورد نفرین آنها واقع شویم.

درود من و درود همه ما بر شهیدای ۳۰ تیر ۱۳۰۰



اصول کلی یا جوهر و روح حاکم بر قوانین چیست و شناخت آن چه اهمیتی دارد

بدون شناخت جوهر و محتوای یک سیستم قانونی نمی توان

مسائل جزئی و فرعی را بررسی کرد.

اسلام تکیه گاه اجتماعی خود را در هر شرایط تاریخی

مستضعفین می شناسد.

ایدئولوژی برتر و بالاتر از همه چیز.

سورتنکه در یک بررسی مجرد وجدای از اصل اساسی سیستم، قفایای هندسی موجود قابل توضیح و تفسیر نمی باشد. در یک سیستم اقتصادی-اجتماعی نیز وضع به همین ترتیب است. بطور مثال، در یک جامعه سرمایه داری با مسائل مختلفی مواجهیم: از نابرابری های اجتماعی گرفته تا فساد و فحشا، مناسبات کالایی بی بندوباری، از خود بیگانگی و... طما هر کدام از موارد فوق به مثابه مظهری از این سیستم اجتماعی، مبتدیاندا تدارکی گوشه هائی از آن را برای ما روشن کند. ولی تنها زمانی میتوانیم این نمودهای پراکنده را بهم ربط داده، و تصویر کاملی از این سیستم اجتماعی ارائه دهیم، که اصول اساسی حاکم بر آن (روح جوهری) را شناخته باشیم. روح جوهر مناسبات سرمایه داری، چیزی جز اسالت دادن به سرمایه در مقابل کار انسان (امالت ارزش اخافی) و سود پرستی نمیباشد. براین اساس دیگر مقولاتی از قبیل: از خود بیگانگی، اسالت مالکیت، استثمارگرانه ابزار و وسایل تولید، مناسبات کالایی، مصادرو ناراضی های اجتماعی و... نه به مثابه مسائلی مجزا و جدای از یکدیگر مطرح اند. بلکه دقیقاً در رابطه باهم و حاصل و نتیجه مناسبات استثمارگرانه (امالت ارزش اخافی و سود) میباشد.

۴- چگونه یک قانون اساسی را مورد بررسی قرار دهیم.

بخوبی به یاد است که اگر قانون اساسی بخواهد در رابطه با چنین سیستم اقتصادی-اجتماعی مدوین شود، علیرغم تأکیداتی که چنین قانونی بر آزادی های دموکراتیک (فردی و اجتماعی) دارد، ولی در نهایت جز وسیله ای در جهت رشد و گسترش مناسبات سرمایه داری نخواهد بود. بدلیل اینکه اساس چنین مناسباتی بر استثمار انسان ار انسان گذاشته شده است. لذا در اینجا عنصر تعیین کننده و دارای ارزش و اسالت، همان مناسبات موجود است. در نتیجه آزادی های دموکراتیک تا زمانی قابل تحمل خواهد بود، که به اساس سیستم ضربه ای وارد نرشد.

در چنین مناسباتی هنگام با نوسانات وضعیت اقتصادی-اجتماعی، با نوساناتی در روند آزادی های دموکراتیک نیز مواجه هستیم (۱).

در یک سیستم حقوقی نیز نتایج زمانی که اصول کلی این سیستم، با جوهر و روح آن را شناخته باشیم، میتوانیم مسائل و قوانین جزئی تر آن را مورد بررسی قرار داده، و از کم و کیف آنها اطلاع حاصل کنیم. بطور مثال در سیستمی که اساسی بر اسالت دادن بحقوق فردی (اندیو - پدالیسم یا فردگرایی) است، طما مالکیت (استثمارگرانه بر تولید) نیز به

کم خواهیم شد. و با توجه به تخصصی بودن معنی از جنبه های مساله (جنبه های حقوقی آن) راه بجای میسریم روشن است که قوانین اساسی که در کشورهای غربی تنظیم شده، در نهایت در خدمت منافع سیستم سرمایه داری است. مانعوتوانیم بدون توجه به ماهیت این سیستم ها، و جوهر و روح حاکم بر این قوانین اساسی، به الکت برداری از آنها پرداخته. با حک و اصلاحاتی بخواهیم یک قانون اساسی برای شرایط حاضر مینشان ارائه دهیم.

۴- پیش نویس قانون اساسی در ذره بین اسلام اصیل

موتی که از جوهر و روح حاکم بر اسلام، در رابطه با تدوین قانون اساسی صحبت میکنیم، منظور مستوجهی است که این ایدئولوژی برای انسان تعیین کرده، جامعهای است که میخواهد ایجاد کند، و مناسباتی است که خواستار آن میباشد. بطور مثال ما خواهان نغی استتار از نظر اجتماعی هستیم. میخواهیم مناسباتی عادلانه برقرار کنیم. در این صورت باستانی مقدمات "مفاهیمی از قبیل استتار، زمینه های مبنی اجتماعی آن، شیوه های مبارزه با آن، روش نغی تا بتوانیم بر اساس اینها، قوانینی و ضوابطی را تدوین نمائیم، که در جریان عمل نتوانند هدف مورد نظر ما را (مناسبات عادلانه اجتماعی) جامه عمل بپوشاند. ما "مثلاً" خواهان برقراری دموکراسی واقعی هستیم. و بخواهیم در جامعه مناسباتی برابر با این دموکراسی ایجاد کنیم. البته توجه داریم که بین دموکراسی واقعی و نغی استتار و از بین رفتن مناسبات بهره کشان نغی باطنی عمیق و ارگانیک برقرار است. در این صورت باستانی قبل از اینکه بطور یکجانبه آنها بصورت شعاری بر این مساله تأکید کنیم، بهتر است دموکراسی، زمینه های مبنی و واقعی آن (زمینه های اقتصادی-اجتماعی)، نحوه تحقق آن و نهاد های مختلف (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) که میتواند به این تحقق کمک کنند، به درازیم. در چنین صورتی است که مستوجه می شود صحبت از دموکراسی کردن بدون پرداختن به یک مبارزه ضد امپریالیستی صرفاً جنبه شعاری دارد. و با صحبت از نغی استتار بدون دفاع از منافع طبقات مستضعف (در این مرحله تاریخی کارگران و دهقانان) و یا بدون مبارزه با طبقات استثمارگر، صرفاً جنبه شعاری داشته، و عملاً امکان پذیر نخواهد بود.

۳- معیار اسلامی بودن یک سیستم یا قانون اساسی.

از نظر اجتماعی میدانیم که روح کلی حاکم بر اسلام چنین است: "مخالف با استتار، و خواستار نغی تاریخی آن است. و همچنین تکیه گاه اجتماعی خود را در هر شرایط تاریخی مستضعفین قرار داده است و میدانیم که اسلام صحبت از حاکمیت نهایی و تاریخی مستضعفین و صالحین در روز قیامت میکند: **إِنَّ الْأَوَّلَىٰ بَرُّهَا** عِبَادِي لِأُولَىٰ مَا بُوَدُوا **أَنْتُمْ** بَدَأْتُمْ بِهِ وَإِن كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ **اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ** (۱) و ما خواهد دادند، غیرالامی و غیرتوحیدی خواهد بود. و با درنمال دیگر، شناخت موضع واقعی زن در اسلام مستفاد "بربرتو درک و شناخت جوهر و روح قانون اساسی، (که تمامی قوانین اجتماعی در آن منتشر شده اند)، و با گاهی از دیدگاه واقعی اسلام (جوهر و روح آن) با اصول اساسی حاکم بر آن) میتوانیم به نقد و بررسی قانون اساسی پرداخته و در مورد آن اظهار نظر نمائیم. در همین اینصورت طبیعی است که در محم معای از قوانین و تدبیرها و نتدرکها سبر

برهمه عناصر مسئول و آگاه است که آنها را در جریان امر قرارداد، و مساله را بطور کامل برایشان روشن کند. ثالثاً بداند که مقصود و محتوای قانون اساسی، که تحت عنوان اسلام به آنان عرضه می شود، چیست؟ و اگر به قانونی رای میدهند با سوابقی را می پذیرند آگاهانه و ارادانه باشد.

۵- ایدئولوژی برتر و بالاتر از همه چیز.

اگر واقعا مستقیم کایدئولوژی اسلام برتر و بالاتر از تمام ایدئولوژی ها است؟ اگر این ایدئولوژی است که سرانجام با شکوری تمامی مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی میباشد؟ این دیگر ترس ما را چیست؟ چه عاملی باعث میشود که سالها را بطور کامل بصورتی صرف و دروغ در معرفی راه و افکار مردمی قرار بدهیم؟ زمانی که مردم احساس میکنند که حکومتی تحت پوشش اسلام، و جمهوری اسلامی فعالیت میکند، از اظهار نظر در مورد اساسی ترین قوانینی که بر بنیادش استتار آنها در ارتباطات، آگاه دارد، و با آنها با بصورت کلی و مبهم برگزار میکند. چگونه میتوانیم به مثلرک های حال آورده آن اعتماد داشته باشیم. درست است که مردم ما شاید از نزدیک در جریان حکومت علی (ع) و پیامبر (ص) نبوده باشند ولی هر کدام به فراخور حال گوشه هائی از آن را میدانند. و شاید این عبارات و مفاسف مناسبتی باشد برای قضاوت آنها. لذا است که ما سازمان مجاهدین خلق ایران وظیفه خود میدانیم که در این مرحله و مقطع حساس از تاریخ مینشان، که از ویژگی خاصی نیز برخوردار است (یعنی قدرت سیاسی حاکم میخوهد ایدئولوژی اسلام را در عمل پیاده کند)، بر این روش خرد اذهان افراد و عناصر مسئول، تجربه زمانی-تکلیاتی خود را در جهت شناخت اصول اساسی و کلی (روح جوهر) اسلام اصیل و واقعی در اختیار عموم قرار دهد.

اینها دیگر نقطه ای است که نمی شود از گفتن اصول صرف نظر کرد. و با تکیه بر مصالح سیاسی روز از کنار مساله بگذاردی گذشت. سابقه مبارزاتی سازمان نیز بخوبی مود این مساله است. که چگونه بیچگاه بر اساسی که به خاطر تحقق آنها به پیکار برخاسته ن باز نشانداده است. زیرا همانظوری که در جزوه آموزشی "برکاتیم" آمده، برای یک جریان مکتبی و دارای اصول، زمانی که صحبت از مبارزه، وحدت، مصالح سیاسی و... میکند، تمامی اینها سرانجام تحت الشعاع اصولی است که این جریان بخاطر تحقق آنها قیام کرده است (ایدئولوژی برتر و بالاتر از همه چیز).

۱- هنده افندی را در نظر بگیریم: در اینجا با یک دستگاه یا سیستم هندسی مواجهیم، که دربرگیرنده، انبوهی از قضا با احکام هندسی است. تنها زمانی قادر خواهیم بود، برای تک تک این قضا با توجه مناسبی بپردازیم، که اصل اساسی این سیستم را شناخته باشیم (۱). در

برادر مسعود رجوی ..

زی سازمان درآمد. در این دوره وی در تدوین کتب ایدئولوژیک سازمان و تأسیس فرآیند و تنظیم اطلاعات که بعداً منتشر گردید، شرکت داشت. در سال ۴۷ در گروه ۱۶ نفره ای نیز که برای استخراج و تدوین استراتژی انتخاب شده بودند به فعالیت پرداخت.

سال ۴۹ همراه اولین سری برادر - آن منجمله برادر شهید صفریدین زادگان جهت مذاکرات و آموزش نظامی به فلسطین رفت. او در بجموعه جنگهای سیتامبر اردن در عمان بود.

پس از بازگشت از فلسطین در گروه سیاسی، تعلیمات و مرکزیت سازمان متحول گردید و همراه برادران بنیانگذار سازمان و دیگر برادرانی که همگی شهید شدند نقش خود را در رهبری مجاهدین خلق به عهده گرفت.

دستگیری

همراه با اولین موج وسیع دستگیری شهریور سال ۵۵ مسعود نیز دستگیر شد و سپس همراه اولین سری مجاهدین خلق در بیدادگاه شاهان با امداد محوم گشت دفاعیه او در بیدادگاه، بعدها به خارج از زندان راه یافت و در زمان رهبری صفا رضایی همراه با برخی دیگر از دفاعیات توسط سازمان منتشر گشت. این دفاعیه بعدها که در داخل و چهره در خارج کشور بارها تجدید چاپ گردید. جملاتی از این دفاعیه او را در اینجا میآوریم:

" رژیم چاره ای جز شدت عمل ندارد. و این نشان احتشاح اوست. انسان بدون گرفتاری تصفیه نمیشود. این فلسفه هستی است. اشدب یا فردا شب آخرین شب است. از ریختن خون بکفر صدها نفر مثل او بر میسر تر نباشد. روزی که ملت عاقلین را به دادگاه بکشاند. مرگ بر امریکا و امریالیزم درود بر مردانی که رنج انقلاب را تحمل کردند."

مسعود گرچه به اعدام محکوم گشت ولی بعداً " رژیم شاه به علت فشارهای متعددی که یک نمونان سفر آقای گروه نماینده مجلس سوسی همراه ۱۴ حقوق فدای دیگر بهایران بود از اجرای حکم اعدام خودداری کرد. در آن زمان متداول این بود که افرادی را که در مجازات نشان تخفیف قائل میشدند در مطبوعات این تخفیف را تحت عنوان ندامت نوشتن نامه عفو اعلام میکردند. نمونه های زیادی از این گونه اتهام هادر مطبوعات آنروزها به چشم میخورد. مثلا " وقتی محکومیت مجاهد شهید مطهری خوشدل از امداد به اید تبدیل گشت علت آنرا اظهار ندامت نوشتند. ولی از آنجا که مسعود دادگاشی ملتی بود دفاعیه اش نیز موجود بود و زدن این مارکاکشان نداشت در روزنامهها بهانه لغو امداد او را همکاری با رژیم اعلام کردند!

مسعود تمام مدتی که در زندان بود فعالیتهايش عديداً تحت كنترل پليس قرار داشت. بارها براي رد باي فعاليت هايش او را به كميته برده و كميته دادند.

سالهاي ۵۳ و ۵۴ مرتباً " ريز باز جوشي فرار داشت. از او اطلاعات مربوط به روابط با بيرون و فعاليتهايش در زندان را ميخواستند. نقش محوري او در

فعاليتهاي زندان ام از بر نامه ريزي هاي مقاومت در برابر پليس و همچنين تعليم و تربيت كادرهاي مجاهدين از آنچنان اهميتي برخوردار بود كه رژيم لحظه اي از وي غافل نمي گشت.

شكجه هاي كه در اين مرحله متحمل گشت، توان فزيكي او را بخفريسانده بود. بارها تنها باين علت كه ديگر احتمال شهادت داشت، دست از كميته ها برداشتند ولي او هر دفته فويتز از دفعه قبل از آزمايش مسئوليت پذيري در برابر خدا و خلق سربلند برون مي آمد. او هنوز آثار شكجه هاي دزخي مان ساواك را به صورت موارث شهيد جسي يدك ميكند. در اين دوران و بخصوص پي از ضربه خائنه اپورتويت هاي چپ نما و موضع كويرهاي مرتجعين راست بيشترين فشار و مسئوليت سازمانی را به عهده داشت. وي آماج حملات متحرفين و برتجمين قزاق داشت چرا كه بار مسئوليت مكشي مجاهدین خلق را ببلوي بردوش خويش احساس مي كرد و با تمام وجود عليه انحراف و ارتجاع ميگردید تا بنیاد سازمان را بر این اندازه استادگی میکرد.

پس از آزادی از زندان

بالاخره وی همراه با آخرین سری زندانیان سیاسی رژیم خائن و در اوج فہام قهرمانانہ خلق و بهمت سردم از زندان آزاد گشت. او در اولین سخنرانی خود پس از آزادی در دانشگاه تهران چنین گفت:

" مگر ميشه خورشيد رو گشت، مگر ميشه باد را از وزيدن باز داشت و باران را از باريدن، مگر ميشه آفتاب نوس را خشك كرد، مگر ميشه بهار را از آمدن باز داشت، مانع رويدن لاله ها شدو مگر ميشه ملتي را تا به ابد اسير نگه داشت، مگر ميشه تا ابد خلقي را در زنجير نگه داشت، نه، چرا؟ اين خواست خداست. او اوده خلقه سنت تاريخه و قانون اجتماعه، و لن تجد لاله تديلا" و لن تجد لاله تديلا" تحولاً"

مسعود پس از بهروزي مردم در بهمن ماه ۵۷ مبارزات پي گيري را عليه اميراليم و ارتجاع لحنه اي حتى ترك نكرد. بخشي از فعاليتهاي گسترده او و تا آنجا كه به روابط خارجي مجاهدین خلق مربوط ميشود در مطبوعات این دوره كمويش منكمس گردید هات.

و حال مسعود از طرف مجاهدین خلق نامزد انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی شد. است. کسی که در اولین روزهای رهایی از زندان فریاد برآورد که: " ما سرزاده ایم که زر بگیریم و بقینا از همین دیدگاه در این مبارزه شرکت خواهد کرد و ثمرات توحیدی و انقلابی خود را پاس داشته و در این صحنه نابرابر و ناخواسته نبرد رسالت خویش را به بهترین وجه به انجام خواهد رساند."

پشتیبانی از نامزدهای

مجلس بررسی قانون اساسی

ما افتخار كنندگان ز سربزه لبيت نامزدهاي گروههاي:

گزارشی از يك

دیدار

ايجا ديک رابطه در ان تيوزير نظر آن سازمان به وابستگی ايرتيره به مشقه صورت قانونی داد. در حالیکه از نما پندگان ايرتيره در این کمیسیون غیبری نمود.

به این ترتیب منافع امریکا و اسرائیل که می خواستند انیویبی یا پگا هستی برای اجتماع رجدید با خود هم چنین منافع انیویبی که به این وسیله راهی به دریا پیدا ای میکردند را می میدود و این میان آن کس که به حساب نیا مد و غاکش مورد معامله بیگانگان قرار گرفت خلق متعجب شده و محروم ايرتيره بود.

بعد از این جریان، ما مخالفت خودمان را با این تصمیمات به صورت مختلف و از جمله تظاهراتی که انجام ای - دادیم به گوش سازمان ملل رسانیدیم و چون این شیوه ها موثر نیفتاد، در سال ۱۹۵۷ ما - رزه را به صورت تشکیلاتی آن

فهرست نامزدها ..

- ۵- استاد محمد قسی - شریعتی
- ۶- آقای دکتر مهدی مگرکی - فارس
- ۱- آقای دکتر حسن اسدی - لاری
- ۲- آقای جواد براخی
- ۳- آقای دکتر کرامتیان
- ۴- آقای دکتر محسن محلوجی
- مازندران:
- ۱- آقای حسن اکبری - مرزن اباد
- ۲- آقای دکتر مراد علی زهري
- ۳- آقای سيف الله کبيريان
- ۴- آقای دکتر محمد رضا روحاني

جنبش - جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جا ما) جنبش مسلمانان میا رزه - سازمان اسلامی شورا (شائ) - سازمان مجاهدین خلق ایران

- ۱ - حضرت آیت الله طالقانی (در صورت پذیرش خود آن حضرت)
- ۲ - آقای دکتر حبیب الله نیمان
- ۳ - آقای علی افشار حاج سیدجوادی
- ۴ - آقای مسعود رجوی
- ۵ - آقای دکتر کاظم سامی
- ۶ - آقای مهندس عزت الله سعایی

شروع گردیدیم و در سال ۱۹۶۰ جنبه آ را دبیش ايرتيره بعنوان يک سازمان سياسي تشكيل شدو يکسال بعد یعنی در ۱۹۶۱ ما دست به مبارزه مسلحانه علیه حکومت هیئت لاسی زدیم در حالیکه بجزگه قبضه سلاح چیز دیگری نداشتیم. رهبر ما رزه مسلحانه شهید ما مد ما در برابر بخود علاوه بر انیویبی، آمریکا، اسرائیل و فرانسه را داشتیم که به دوست انیویبی کمک میکردند، اولین رابطه بین المللی ما تا نیس رفتی بود در سوماتالی در سال ۱۹۶۲. و اکنون همک با یگانه تعلیماتی نظامی در سوریه داریم.

مجاهدین: تحلیل شما از رژیم هیئت لاسی و رژیم فعلی به لحاظ اقتصادی و سیاسی چیست؟ احمدنا سر: در تحلیل ما (جنبه آ را دبیش ايرتيره) عواملی از بین رفتن رژیم هیئت لاسی در درجه اول، فشار مبارزاتی ما و در وهله بعدتها دعای درونی رژیم بود. نظام طبقاتی کهنه نشودال - شور و زو ا شدت فشار بر طبقات محروم اجتماعی که باعث رشد جریانات دانشجویی

۵ - آقای ابودر

- ورداسیسی
- زندان و ترویی:
- ۱- آقای هادی مؤمنی
- ۲- آقای کریم حاج سید جوادی
- چهارمحال بختیاری:
- ۱- آقای مهندس احمد نوربخش

سمنان:

- ۱- آقای دکتر حسین غزازی
- همدان:
- ۱- آقای مهندس داوود میلانی
- ۲- آقای دکتر رحیمی نظیری

گیلان:

- ۱- آقای شهاب شماری
- ۲- آقای ظاهر خوش خلق
- ۳- آقای هادی یورگل
- ۴- خانم دکتر طاهره مفارزاده
- ۸ - حجت الاسلام دکتر علی تقویری
- ۹ - آقای دکتر ناصر کا توریان
- ۱۰ - آقای دکتر عبد الکریم لاهیجی

برای مجلس خبرگان رای می دهیم. وابسته را در داد امیریا - لیم پیفتد، ما اکنون با چنین دیدگاهی با انیویبی برخورد میکنیم. این میان چه بود، آیا دارای با پگاهی در ايرتيره بود؟ تا تمام

و کا رگری علیه آن گردید و بالاخره به سیدگی نظام که مسعود استعفا رگرا هم دیدند که پس نظام نمیتواند با ریا شد.

با توجه به فقدان یک سازمان و تشکل سیاسی در انیویبی، ارتش تنها نیروی متشکل در کشور بود. ۱۲۰ نفری که شورای رهبری ارتش بودند همه از جانب یک واحد ارتش استعفا شده بودند، بدون این که پشت سر آنها یک جریان سیاسی وجود داشته باشد پس در حقیقت تغییری که ایجاد شده نودنه بر اثر یک انقلاب بودونه بر اثر عملکرد یک جریان سیاسی، این گروه با خود هیئت لاسی رابطه داشتند و رفته رفته جدا شدند. و بعد از آنکه قدرت را در دست گرفته و کا را انجام دادند یکی اینکه وابستگی های لاسی را امداد کردند دیگر اینکه اطلاعات ارضی را به مرحله اجرا درآوردند.

حالیان رژیم جدید هم بخشی از جنبش کارگری انیویبی - بخشی از جنبش دانشجویی انیویبی است و نه همه آن.

ما بعنوان یک جریان انقلابی این تحولات را تحولاتی متروقی و مثبت تلقی میکنیم و در مقابل یک طرح ساده ای برای حل مسئله داریم:

- ۱ - برسمیت شناختن حق ما بر تعیین سرنوشت خودمان
- ۲ - حل مسئله ملیتها به شیوه ای انقلابی.
- ۳ - تمام جریانات سیاسی موجود که در زمان های لاسی مبارزه میکردند در جنبه واحدی قرار میگیرند و برای پیشرفت و رشد نظام جدید بکوشند.

ما معتقدیم و تجربه های بسیار هم این اعتقاد را تا کشید میکنند که در کشورهای جهان سوم کودتاهای ترقیخواهانان اگر پیشوا نه سیاسی نداشته باشد، اگر چه شما رای غیلبی خوس مهم هستند، رسا بجای مان با ما دات است و یا شمیری.

چرا که بعد از انقلاب سوسیالیستی اکثر انقلابها در کشورهای مستعمره با ایمه سیاسی دموکراتیک و ملی هستند. چون در این کشورها تنها داخلی نیست بروابط بر و بورژوازی نیست بلکه بین خلق و امیریا لیم است، که بعد خود بورژوازی سر کا رسا بدود. راه پیشترند ارد، با با پدرا سوسیالیست را پیش بگیرد راه سرما یه داری وابسته را در داد امیریا - لیم پیفتد، ما اکنون با چنین دیدگاهی با انیویبی برخورد میکنیم. این میان چه بود، آیا دارای با پگاهی در ايرتيره بود؟ تا تمام

اسلامی عاجز نمانده، و تسلیم تاملات جاهلی و اشرافی خویش گردیدند. آنان که برخی از صحابه پیامبر نیز در میان آن بودند، تدریجاً از حقیقت اصل اسلام فاصله گرفتند و دین را وسیله نهای خویش ساخته و از مبداه در پی منافع فردی خود رفتند. خلاصه بی سرود اشرافیت جدیدی بوجود آمد که تنها نثر حیرات خواری افتخارات و شهادت و قهرمانیهای گذشته، و نزدیکی به پیشوای انقلاب یعنی پیامبر بود. انحراف تا بدانجا کشیده شد که بعداً "در دوران بنی امیه صحبت از برتری اعراب بر دیگر اقوام به میان آمد، آنهم به این دلیل که رهبر انقلاب یعنی پیامبر از میان اعراب برخاسته و بنا بر این آنها باستی امتیاز خاصی نسبت به غیر عرب داشته باشند" تدریج نطفه های مال اندوزی و امتیاز طبقاتی پست شد، برخی از صحابه در همین آنکه در انجام وظائف خود مستکبر بودند احکام و حدود را با قاطعیت اجرا میکردند، ولی مشی اقتصادی اجتماعی آنان چنان بود که رازها سر نترسند و استنثار مردم بطور فادایه نمیست. آنان بطور کلی به عقاید شیعه اسلام در زمینه نفی استنثار و ستم اجتماعی و تشکیل جامعه قسط بر پایه مستضعفین نرسیده و در این زمینه تشریح و ساده اندیش بودند. در نتیجه انحراف در طول زمان گسترش یافت و تدریج به فطوح خود رسید. بررسی عمیق این جریان نشان میدهد که جریسان موق مامل انتقال ثروت و دسترنج توده مردم به اقلیت ممتازی بود که سران اموی در رأس آن قرار داشتند. ویژگی این جریان در شکل حاتم بخشی ها و گاردن خویشان بر مناصب مهم، توجه به تجملات و زرق و زوری و راحت طلبی خلاصه میند.

مردم بی اختیارند:

اینها همه موجب میشود که رفته رفته نطفه های مبارزه علیه این جریان در شهرهای مختلف نمودن کرد. همه مردم میگفتند که جریان فوق مسجد پیامبر را بزرگ میکند ولی هدف انقلابی او را رها کرده زیر پا میگذارد. حق و عدالت است که از ارکان اسلام و مستوای توحید است که صورت شماره های بدون محتوا در میآورد. سرانجام مردم بخشگین که از این جریان انحرافی در پلشن اسلام به تنگ آمدند بودند می شوند. آنکه انبوه توده ها به جانب علی (ع) روان شده و از او دعوت به کار میکنند. امام علی نیز چنانکه در خطبه میفرماید: "گردد" بر اساس دعوت توحید و خواست حاضرین و ضرورت وجود باوری برای خلقها و لزوم پاسخ به توده های بیگناخته و اینکه خدا از ادیانان بیگانه گزیند تا بر سیر طالع و گرسنگی مظلوم آرام ننشیند" (وَمَا خَدَأُكَ عَلَى لِقَائِهِ أَنْ لَا يُقَرِّبَهُ عَلَى كَيْفِكَ ظَالِمٍ وَأَنْتَ مَقْلُومٌ) مسئولیت جدید را عهده دار میشود. در خطابه اش بلافاصله پس از بیعت با مردم خط مشی و راه خود را اعلام میکند.

نکته بسیار قابل توجه در این خطبه اینست که امام علی در اولین قدم حکومت خود، بر روی پایگاه

اقتصادی - اجتماعی رژیم و جریسان انحرافی یعنی اشرافیت زمیندار بنی امیه انگشت میگذارد، ولی تشریحات خویش را توجیه طیفهای از زمینداران بزرگ میکند که نفوذ روزافزونی یافته بودند. این طبقه فرمانداری شهرها را بدست گرفته، و با استنثار دسترنج بردگان و تصاحب غنائم و زمینها، اشرافیت جدیدی را بوجود آورده بودند. امام هر روز اراضی جدیدی را تسول خویش مینمودند، و بساط خوشگذرانی و هواری پرستی و ثروت اندوزی را گسترش میدادند و کارهای و قدرت را از اخلافت هم گرفته بودند.

امام علی سخن خود را با حمله به اشرافیت زمیندار، این پایگاه کثیف رژیم و جریان انحرافی آغاز میکند، و با قاطعیت اعلام مینماید: "وَاللَّهِ كُوِّ وَوَدَّعَتْهُ قَدْ تَرَجَّعَ إِلَى الْبَيْتِ وَالْمَلِكِ بِالْأَمَانَةِ كَرْدَتْهُ ..."

(سوگند بخدا بخشیده رازد هر کجا که پیام صادره خواهم نمود. حتی اگر این اموال به کابین زسان رفته و با آن کنیزان خرید شده باشد، البته توجه داریم که در شرایط تاریخی خاص کابین خلیفه در آن شرایط بیان شده "دوران بزرگی" خرید و فروش برده و کنیز از امور رایج در جامعه های مختلف بوده است.) موردی که علی در جمله فوق مثال نمیزند "صل دره" دارائیهای بخشیده شده، حتی اگر صرف خرید کنیزان و پاکبازان باشد) یا توجه به شرایط اجتماعی - تاریخی و فرهنگ آن زمان، بخاطر حساسیت ویژه ای است که نسبت به موضوع در مردم وجود داشته است، و خود نشانها تاکید و قاطعیت امام علی در مورد تصمیم فوق مینماید، یعنی با فشاری سر - سخنانه بر روی خط مشی "مصادره ثروتها" که از دسترنج مردم بدست آمده"، و اینکه هیچ قیمتی و با هیچ عذر و بهانه ای حاضر به کوتاه آمدن نیست و استنثار نمی شناسد.

دگرگونی سطحی یا بنیادی:

خط مشی امام علی بطور کلی این است که انقلاب را تا نبودن کامل تمامی مظاهر سلطه رژیم طبقاتی و نهادهای آن و مخصوصاً پایگاه اجتماعی آن در مرحله مشخص تاریخی، یعنی اشرافیت زمیندار، ادامه دهد. علی بخوبی نگاه است که انقلاب مردم با رهبری علی و حکومت او خاتمه نیافته، و با بستی در اولین قدم پس از بدست گرفتن مسئولیت و رهبری در مسیر ادامه انقلاب به خلق پد از این اشرافیت جدید در پلشن اسلام دست بزند. اشرافیتی که با تظاهر عالمانه به اسلام، به صحنه و تحریف محتوای انقلابی مکتب پرورده است و بنام اسلام و سوءاستفاده از آن، زمین دار، کنیزدار و برده دار شده اند. و میروند که مسیر جنبش را به انحسار اف بکنانند. علی میدانست که انقلاب بدون پرداختن به این مساله مهم، اجتماعی - اقتصادی، ناقص و رو به افول خواهد بود. و در نهایت چیزی جز یک تئور سطحی نمی ماند و اساسی و بنیاد نظام را دست نخورده، باقی خواهد گذاشت. و دشمن دیوار خواهد توانست به شیوه دیگر و از راههای جدید مجدداً نفوذ نماید و حاکمیت

خویش را باز یابد. اینست که مبینیم امام علی قبل از هر چیز، و قبل از برپا داشتن به خلقی از بدعتهای دیگری که ارتجاع برجای گذارده به موعظت مگیری بر علیه پایگاه اقتصادی - اجتماعی جریان ارتجاعی پرداخته و مصمم است که آن را بطور کامل ریشه کن سازد. بدین سبب است که اولین بهانه خود را با اعلام مواضع سر سخنانه خود مبنی بر مصادره اموال و زمینها و بخشیده ها شروع مینماید. و بدین ترتیب رژیم اموی و نظام اشرافیت وقت را، از اساس و بنیاد آن متزلزل میسازد.

و درست بهمین خاطر یعنی طرز عمل انقلابی علی است که تمامی استنثارگران ثروت مند و انگل های اجتماع که تجاوز به حقوق دیگران اساس شیوه زندگی شان را تشکیل میدهد، سراسیمه شده و بر علیه علی میخیزند. مخرنهایی چون طلحه و زبیر وقتی دیدند با اعلام خط مشی ملی موعیت و منافعشان به خطر افتاده است تعجب و بیمان های اسلامی خود را زیر پا گذارند. با استفاده فرست طلبان از سوابق نزدیکی خود با پیامبر و نیز بناگاهی توده مردم، یک جریان انحرافی را مامضون شد و با مشی ملی، برای آن داغ شدند. و با شیوه های فرست طلبانه و مفرزانه و با وارونه جلوه دادن حقایق، بنیاد دشمنی با ملی را گذاشتند و جنگ چهل را بها نمودند. آنها از این راه به انقلاب و مردم پشت کردند، و بزرگترین خدمت را به دشمن کینه توز و قدرتمند وسیله گر خارجی یعنی موعیت نمودند. اینان از علی امتیاز میخواستند و فکر می کردند که علی را میتوانست در برابر خواست خود تسلیم کنند، و به رسم دوران گذشته سهم و بیزای در تقسیم بیت المال ببرند.

مضمون عدالت در منطق امام علی:

اما علی در برابر آنها با قاطعیت ایستادگی کرده و سوگند میخورد که: "اگر بیت المال، مال شخصی من هم بود آن را بطور مساوی تقسیم میکردم، پس چگونه میتوان فرماز مساوات مثل کرد در حالیکه کارای آن خداست" (خطبه ۱۲۶) و در خطبه دیگری میگوید: "در حالیکه دارایی از آن مردم است) بنا بر این علی، دست در میسینه استنثار طلبان مینزند. بر مصیبات که به مردم و طبقات محروم روی آورد، و راهی را برود که به تحقق خواستها و آرزوهای توده های فقیر تحت ستم منتهی گردد. علی برخلاف سیاست اقتصادی گذشته، که مستقرین مامل انحراف و درهم رخنگی و فلات جامعه بود، شیوه کفایت و ستاوتی را در پیش میگیرد، که رشد واقعی و همه جانبه توسعه اقتصادی عادلانه را تأمین خواهد کرد. این سیاست طبقات تحت ستم جامعه است: "لَيْسَ فِي الْأَعْمَالِ يَفَقَهُ" (همانا توسعه و رشد واقعی هر گرو انتصاب راه "عدل" است.)

این راه "عدل" است که فایده های طبقاتی را از بین میبرد، و قدم نهادن در آن مستلزم روی نمودن به مستضعفین و طبقه محروم و زحمتکش اجتماع مینماید. راهی که به مساوات طبقاتی و حرکت به جانب نفی استنثار

و بهره کشی منتهی میگردد. اگر ما مستفید کموافقتی مستقل از ذهن ما در دنیای خارج وجود دارد، و کار جهان بر مبنای حساب و کتاب و اصول مبنی استوار است پس نباید تردید داشت که اگر نهادن بر این اصول که بر تمام هستی حاکمیت دارند، لازمه "عدل" و امتفاده نظم و قانونمندی است. جامعه منسیر به عنوان بخشی از جهان بر بنیاد اصول شخصی بست مقصد بزرگ توحید و یگانگی "تکامل می یابد، لذا هر خط مشی و سیاست که برای حل تضادهای اجتماعی نگار گرفته میشود، چنانچه بر مبنای این اصول تکاملی نباشد، یعنی از شیوه اصولی حل ساله مدول شود. لاجرم از مسیر "عدل" خارج شده و ما را به سراسیمه انحراف و با ارتجاع سوق میدهد داد. بنا بر این، آنچه علی (ع) در این خطبه بعنوان "شیوه عدل" مطرح میسازد، جزوی از جهان شیوه ها و راههای اصولی برای حل مسائل و تضادها و معضلات جامعه نیست. شیوه هایی که طبیعت ملازم با موضوع گرفتن بهنفع طبقات تحت ستم و حرکت به سمت نحو استنثار و محو طبقات استگر و تحقق بخشیدن به حاکمیت مستضعفین و یگانگی اجتماعی است. در مقابل این روش، "جور" قرار دارد که نتیجه آن از دیاد فاصله طبقاتی و تشدید و گانگی و در حقیقت استنثار زحمتکشان و طبقات مستضعف اجتماع است.

اینست معنای واقعی عدل، از دیدگاه خود علی ملی. عدل در این دیدگاه هرگز یک مفهوم مجرد و انتزاعی که هیچگونه ربطی با دنیای مین و موعظت مگیری های اجتماعی و اقتصادی ندارد، نیست. ملی (ع) خود در جمله قبل این برداشت توحیدی از واژه "عدل" را بخوبی نشان داده است. آنجا که شمار مصادره اموال نصب شده مردم را مطرح میکند، و خلق بد از اشرافیت زمیندار را در رأس بر نامه موعیت خویش قرار میدهد. از اینرو علی فارغ از هرگونه تردید و هراس خاطر سختی ها و مشکلات این راه و بدون هیچ شائبه غیر توحیدی، که او را بخاطر از دست دادن برخی حمایتها و امکانات، به تسلیم در برابر تضایلات خود جویانو غنای تکاملی امثال طلحه و زبیر وادارد، قاطعانه بر روی این اصل تکیه کرده و به صراحت اعلام می دارد که:

"یگانه راه توسعه اقتصادی و گشایش و رشد همه جانبه، در انتخاب راه "عدل" است."

مشکلات راه اصولی و عادلانه:

او در همین حال بعین نکته نیز توجه دارد که اتخاذ این روش اصولی، بلاشک در کوتاه مدت، او را با مشکلات و تنگناهایی مواجه خواهد ساخت، نیروها و امکاناتی را از دست میدهد، و حتی با تحقیقات توانمندی که جریانات انحرافی در پیش راه او ایجاد خواهند کرد، چه بسا کندیهایی در حرکت او بوجود بیآورد. اما با همه اینها همان دارد که چون راه درست و اصولی را برگزیده، بطور دراز مدت و در بنا حرکت اصولی "عدل" همه آنچه را که بظاهر از دست میدهد، بدست خواهد آورد. و

در نهایت این ارزشهای خدائی و تکاملی است که، گشایش همه تهی دستیها و تنگناها و سختی راه است. ارزشهای که نهایتاً "در تریزی و قدرت توده ها متبلور میشود. ملی برخلاف مدافعان راه رشد غیر عادلانه و سرمایه داری، اصالت را به عامل انسانی و اخلافت مردم میدهد و نه تکنیک و سرمایه. دشواریهای راه اصولی و درست، هرگز نمیتواند مجوز عدول ما از آن، و تشابه و انحراف گردند. تازه هر انبصورت یعنی اگر انحراف را در پیش گیریم، معلوم نیست از این مشکلات رهایی با هم و با مشکلات پیچیده تر و نخل دیگری مواجه نگردیم. اینست بلافاصله علی (ع) در دنبال مطلب میگوید: "وَرَبَّنَا سَأَى تَمَكُّبُ الْمَسْكُلِ فَالْجَوْرُ عَظِيمٌ أَسْبَقُ" (هر کسی که اتخاذ شیوه عدل سخت آید، بدون شک، راه غیر عادلانه سختتر است و او را با تنگناهای بیشتری روبرو برو میسازد.)

معنی این تأکید آنست که هرگز نباید سختی ها و تنگناهایی، که بر اثر بردن از طبقات سرتوده و استنثارگر و روی نمودن به مردم محروم و سوسج آنان، بطور موقت دامگیر انقلاب میشود، ما را دچار هراس نموده، و مقصود ما را از دست بدهد. زیرا که امکان خروج از این مشکلات در صورت انحراف از عدل وجود ندارد و به بن بست دچار گشته ایم. بلکه واقفیت اینست که این مشکلات که لازمه وجود این راه هستند، همگی کوتاه مدت مینماید. برعکس، این راه انحرافی، مسیر غیر عادلانه توسعه است. که بدلیل عدم امکان آن به خلق وسیع کن کردن آنها در مسیر توسعه اقتصادی، سرانجام محکوم به بن بست و شکست است.

انتخاب شیوه غیر عادلانه ممکن است در کوتاه مدت، قدرت توسعه و گشایش اقتصادی ظاهری و بهنفع اقلیتی را فراهم سازد ولی در طولانی مدت با تناقضات لاینحل و تنگناها و بن بست های گریز ناپذیری دستگیر میآید. هر چه شد که سختی های آن میراث بیشتر از طریقه اول در (توسعه عادلانه) خواهد بود.

گشایش و توسعه اقتصادی غیر عادلانه و بی بند و بار سرمایه داری که در سر راه خود، حقوق سایر طبقات مستضعف را لنگه کوب میکند و تنگناها و بحرانهای بهایی آن گسترزیر او را درون، با تضادها و تناقضات نابود کننده، رومیرو خواهد ساخت، بهترین مثال این معنی است. در تاریخ معاصر خودمان میتوان از کشورهای نظیر مصر و ایران و ... نام برد که بخت اتحاد شیوه توسعه غیر عادلانه و مرجع شدن تکنیک و امکانات سرمایه داری بر عامل انسانی و توده های محروم، سرانجام در مسیر این رشد اقتصادی در ورطه تنگنایی و استیغنی به سرمایه داری سقوط کردند.

سیری که در ادامه آن، دچار آنگان فلات و در پانگیهای میشود که سرانجام بجز یکی از این دو راه است: یا راه سرمایه داری به امیرالبنس و ضمانت (سونه صحر) و یا بازگشت به راه عادلانه و مردمی. راه سومی برای خروج از بن بست وجود نخواهد داشت.



فاطمه امینی

و ستون مهره های سختی جرات برداشته بلکه نخاص او نیز در اثر سوختگی آسیب دید و بدنش فلج شد. بطوریکه دیگر هیچ حرکتی نمیتوانست بکند. تنها اینکه یک دست او قدری حرکت داشته است... دراز شدت کشیده گردن خود او کارکرد مادی خود را از دست داده بود و خون پشام بدنش میسریسد. بهمین علت در بیمارستان، او را روی یک تشک برقی می خوابانیدند که هر چند ساعت یکبار یک طرف آن را با دمی کردند. تا بدین وسیله حرکتی به او داده نشود و خون به سایر نقاط بدنش برسد. او در این روزها با سوسن می کشیدند. حتی فداکاران بر سر دردها نشانی می گذاشت. هر روز که پرستاران پانسان رخم و سوختگی پشت او را معوی می کردند، با دمی و با اندازه "سراسر پشت او پاشیده می کردم، که آفتابه به چرخ و خون بود. در این موقع بوی چرخ و هلویت سراسر اتاق را فرامی گرفت. روزه افورودن همه ما را از بیمارستان به کشته بردند. و لسی فاطمه را چون حالتی وخیم بود نتوانستند از آنجا تکان دهند....."

منوچهری، این مزدور خون آشام بعداً "به این جنایت خود قبحانه افتخار می کرد، و برای ترسیم چهره "دزخ خود برای انقلابیونی که گرفتار می شدند می گفت "شاه فردم که تحمل شکنجه داده نماند، به اندازه یک موی فاطمه امینی نیستند. من جلا د فاطمه امینی هستم....."

درسول اوین

فاطمه پس از مدتی از بیمارستان شهرابی دوباره به شکنجهگاه اوین منتقل شد. در آنجا یکمتر کیمه جان او را در سگ سلول انداختند و یکی از زندانیان دستخیز را که پزشک بود، برای مراقبت از او با

فاطمه در یک سلول قرار دادند. ساواکی خواست فاطمه زندمان را با هم نتواند و از شکنجه کند. مطابق خبرهای موقتی که بعداً "به ما رسیده اطلاع یافتیم که فاطمه پس از مدتی به ستاری، ورسدگی این زندان، تی پزشک بهبود نسبی پیدا می کند. ولی دوباره او را به ریز شکنجه می کنند. این بار یک آدرس دروغین را در قیطره به ما می دهد که آنجا را چندین روز سرگردان می نماید. ما مأموران پس از آنکه مدت ها وقت و انرژی خود را در درس می دهیم نتوانستیم با او بیرون آید آدرس شده و مجدداً او را با غاطر انتقام گرفتن تحت شکنجه و آزار فراموشی دهند. در شترنامه و بخصوص بر داد شکنجه شدت می یابد و برای چندمین بار او را می سوزانند. عفونت ناشی از زخمهای چرکین بدن او وحشی رسیده بوی چرخ سراسر فضای زندان را پر کرده بود و ما مأمورین مجبور شدیم برای گریز از این وضع او را روزانه یک ساعت در سبیل سلول در آفتاب قرار دهند. گاهی هم که حالت خیلی وخیم می شد او را در سبیل زندان اوین بستری می کردند. در اوایل مرداد ماه ۵۴ فاطمه برای آخرین بار به شکنجهگاه برده می شود از این تاریخ بعد هیچکس از سرنوشت او اطلاعی نداشت. معلوم نیست فاطمه از این پس تحت چه شکنجهائی قرار گرفت ولی مسلم است که او در ریزترین شکنجه ها، در ریزترین سابقه ترین و فجیع ترین شکنجه های قساوت بار جانان ساواک به شهادت رسید. (۱) مدارگی که بعداً "از ما واک بدست آمد، تاریخ شهادت وی را ۲۵ مرداد ثبت کرده اند. دشمن سپس بخانواده امینی گفت:

"فاطمه در سلول خود کشتی کرد ما است و مدارگی هم برای اثبات این ادعایش چهل نمود. چنین بود که فاطمه این سزورین مجاهد و سمل پرافتخار مقاومت مجاهدین خلق ایران در آخرین نبرد خود نیز شهید شد. چه

به روزی بزرگتر از این که دشمن را با همه "تکتیک پیشرفته و ابزار شکنجه اش تا بدین حد حقیر و سزاگند ما زد تمام امید او را براری دست یافتن به اطلاعات و اسرار سازمانی خود میدن به پایمان شاید جلاد بدستوری پاهای سلیمان بر تود را مدولی فاطمه بر روی پاهای خون آلود بودن فلج خود سرتخت و قهرمانان است! بدون شک راه جنش خلق ما و راه جهاد عظیم ضد دیکتاتوری بدون چنین قربانیانی، بدون این فداکاران بهائو جانناز بهای قهرمانانه نشود نمی شد. مادر نبرد

ندان مجاهدان خلق بدست آوردیم. مای دانستیم که در این نبرد اول بار ما معصوم و دشمن قوی، مای دانستیم که دشمن بطور تکتیکی اتفاقاً "یکسرم واقعی و بسیار درنده است. ولی از سرف دیگر مصفا" ایمن دانستیم که نبردی را که ما برای نابودی ستم و بهره کشی آغاز کرده ایم، یک جنگ عادلانه و انقلابی است. ما یقین داشتیم که چون هدف خویش را به روزی خلق و بر فراز آغوش توحید و یگانگی اجتماعی قرار دادیم، به تدریج توده های ماری ما خواهند شتابت و زمانه که توده



میکنی که به طبع بر سر دگان امیر با... لیم آغاز کردیم می دانستیم که این راه سخت و طولانی است و به روزی ساده ورود بدست نمی آید. ما دانستیم بودم که این راه فراتر از زبانی می طلبد و تمام این خونبار و رنجها و شکنجه ها صورت انتخاب ناپذیر تکامل انقلاب اند. ما مکتببان راه اسلام امیل و انقلابی را نیز از همین طریق از لای لای جوخه های اعدام و از میان رنج و خون و شکنجه پاکترین و فداکارترین فرز-

به با سر بزرگوار اسلام کنیم که فرمود: "مسم شهری رحمان، عالم متشنگ و جاهل متشنگ" (دو گروه مکرر می کشند و استخوان های پشتم را خرد کردند. یکی عالمی که میداند دستورهای اسلامی را زهر با می گذارد، و پوره های اسلامی را میسرد، و بدین وسیله مکرر اسلام را میسند. و دیگر فرد جاهل و عامی که ناگاه - هانه خود را به اسلام میسپاند، و از طریق انجام کارهای گورگروانه و ناخبرانه بر رسول خدا ضرب کاری میزند."

این است دردی که هر انسان متصدیه اسلام را میشن و دردمند و مسزور میسار. بنا بر آنچه گفته شد، سوال اینجاست که: اولاً: چگونه است که افرادی که برای خوردنش روحانی قائل بود و دعوی به روزی از مانی امتدادی اسلام را میسپاند، بالاخره باید در همان سیری میگرداند که طاقتورین، مسالهای سال آن را تجربه کرده اند؟ تا نیا "چنین منکرده های در نهایت خود بکدامین سوی رومی برد و چه موائی در پیش روی دارد؟ چنانچه شاهد بودیم امام انغال کتاب - خانهها تنها نمونه های منحصر بفرد از کارکرد انحصار طلبانه چنین عناصری نبوده است. بلکه این عناصر هر جا مشاهده کرده اند، گرایش فکری مسئولین امور، در جهت تا مین منافع آنها عمل نمیکند، بلافاصله دست بکار شده و با توسل به

شوه های مختلف اقدام به اخراج سزور - لسن نموده اند. در تمامی موارد فوق، ملبر قسم تقاوت های شکلی، بیمن مشترک انحصار طلبی مشهود است. ارتجاع با مکردها ی غیر اسلامی خود قدم در گردها بر - گذارد که در طولانی مدت به مایع لاسی فروگندید و مکنده تبدیل خواهد شد. با تعلق که در سر راه تمامی قدرتمندان قرار دارد که فاقد تقوای اجتماعی باشند مگر این تاکید امام علی نسبت که مالا - حبت قبول مسئولیت را تنها عناصری دارند که اولاً "بیش تاریخی و قدرت جع بندی تجربیات گذشتگان و نظامهای سقوط کرده را داشته باشند. و ثانیاً بدور از هرنوع وابستگی طبقاتی و مقام پرستی و منافع طلبی به زبور تقوای فردی و اجتماعی آراسته شوند. بدون این تقوای اجتماعی و فردی یک راه برای تمامی نیروها باقی نخواهد راهی که در اصل همان مسیری است که که تمامی قدرتمندان و طاقتورین جهان در سراسر این سقوط کرده اند. چرا انحصار طلبان از فعالیت آزاد اندیشانه شریعتی ها و یا عناصر صدیق و مومن هراس دارند؟ چرا مسئولین کتابخانه های ایفود و لیزاده و... که با عقادت ایدئولوژیک خود تلاش مستمر داشته و شایستگی خود را در محیط اجتماعی خویش نشان دادند، باید چنین خود سزانه تصفه شوند؟ و کتابها و اند

کشف ترین مزدوران سرچشمه های با لسم بشهادت رسیدند، اما تأثیرات تمام این مرگهای انقلابی همواره در کالبد حشمت انقلابی خلق ما با برجات و زمان و مردان مجاهد ریزنده های کبری ادامه آهسته آهسته می یابد همواره خاطره ما را در بریا و فداکاریهای آنان را پشتوانه با کبار انقلابی و مقدس خود خواهند یافت و برجم آسمان توحیدی را که با خون این شهیدای والا مقام سرخ گشته همچنان برافراشته خواهند داشت. **خصیصه های انقلابی و توحیدی، فاطمه**

فاطمه از درون همین جامعه و از میان توده مردم و با طلی اکتد هار مشق مهبکار در راه خلق برخاسته بود. او از لحاظی که قدم در راه مبارزه گذاشت تا زمانی که قهرمانانه در ریز شکنجه شهید شد، آنی از تلاتی و - فعالیت در راه انقلاب و سازمانش و به روزی آرمانهای اسلامی مردمی خود قائل بود. تمام امکانات و انرژیها و هستی خود را وقف سازمان و انقلاب نمود. فاطمه حقوقی را که ما میانه می گرفت متعلق به مردم می دانست و آنرا تماماً "در اختیار سازمان قرار می داد و هرگز دیناری بیش تر از حد یک زندگی سخت و پابین خرج نکرد. بیکار در این مورد گفت "وجود ما و معلومات و تحصیلات ما همگی شجره سرخ و خون دل این مردم و محصول کار و سزوری رختن میسویان انسان رنجید به روز حشمت صیبن است که خود را تا مین حد افراط، سخت و مسائل و احتیاجاتی که برای زندمان این لازم است عاجزاند... " پیاز د سگری همسر و همزم مجاهدش، سوزبارگان، هم چنان به پیگار عسکی ناپذیر خود حسنی فعلا نه تر از گذشته ادامه داد. مقاومت سر سفتانه و جسارت انقلابی فاطمه نیز از پاکباختگی او سرچشمه میگرفت. در سخت ترین شرایط چنان روحیه ۴ بقوه در صفحه ۲

مسئولیت نیر و های متعدد بشه های مردمی این چنین مورد تعاضم قرار گیرد؟ جواش را همانطور که گفتیم باید در ماهیت انحصار طلبان و ارتجاع جستجو کرد. مسی است که چنین شوه های بهیج وجه نمیتواند مطلوب و حتی قابل تحمل برای کسانی باشد که در تقویت و تقوای آنها و موضع طلبی ها گرفتارند و منابع را تین خلق و انقلاب به خاطر آن بود، و شهیدای برای آن جان فدا کردند، با تمام وجود سی بندند. و در تشبه پیگیری با زبانه و میرنده تبدیل میشوند. اما انسان متصد که در اندیشه پاسداری از آزادی اندیشی، انقلاب، و خون شهادت هرگز نمیتواند از راه خود باز ایستد و تصد خود را فراموش کند. و علاوه بر آن این روشهای غیر دموکراتیک به کار مانی های مسئول را غیور و مست و تصد و مسئولیت را از آنان سلب نخواهد کرد تا با راه خویش راست و عدولتالی در هر شرایطی خواهد یافت، و رسالت خویش را ایفا خواهد کرد. اما برای افرادی که در یک پروژه طولانی ویر منای شناخت ایدئولوژیکو تصد خود نسبت ب خدا و خلق به مبارزه کشیده شده اند، بدور از هرنوع وابستگی اجتماعی، مصمم به ایفای تعصبات و بهائیهای غذایی و خلقی خود هستند، برای ایمن این امکان وجود ندارد که دمی از منافع راستین اسلام و خلق مستصم قائل شده و در جهت ارضای صاحبان قدرت کام بردارند.

گزارش از بزرگترین کنگره شوراهای کارخانجات

- مشارکت مؤثر در سیاستهای سازمان نوسازی، و نیز مشارکت در انتخابات مدیران از خواستهای شوراهاست.
- کسب حقوق کارکنان بر اساس موازین اسلامی و برای دستیابی به جامعه بی طبقه و توحیدی می باشد.
- ایجاد صنایع ملی، از بین بردن وابستگی صنعتی از اهداف اتحادیه است.

مختصری از مفکرند نشست نهایی بنا به بندگان اتحادیه را از نظران میگردانم.

یاسداری از میراث شهدا

هسته اولیه شوراهای کارکنان این شرکتها در آوج مبارزات مردم میهنان در دیماه گذشته گرفت. این شوراهای در شرایط کنونی از برکت آزادی نسبی موجود موفق به تشکیل یک اتحادیه سراسری شدند. باشد که پیوند جسته توراها طبقه وحدت و نورامیدی برای مستضعفین ایران شود. از آغاز روشن بود که دستهای پیر توان کارکنان و همت کارکنان مانع زیادی را از سر راه برداشته است تا نتوانستند با این گردمانی طبری از وحدت شوراهای طبقه در صفحه ۴

توراها در میان تمامی اقتدار و طبقات خلق بویزه طبقات مستضعف جامعه ما نظیر دموکراسی و اپوزیسیون انقلاب ایران می باشد. در این میان اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کارکنان شرکت های وابسته به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران در خلال جلسات خود موفق به تصویب اساسنامه و دستورالعملنامه مترقی ای شد که قدم مهم دیگری در تکامل شوراهای شمار می رود. این نخستین اتحادیه توراها در تاریخ مبارزات کارگری ایران می باشد. بدنام گزارش کوتاهی که در نشریه شماره اول از این کنگره داشتیم. اینک

نماز و حدت تجلی نیاز و حدت

اقتصادی بیشتری دارد. در اولین جمعه ماهی برپا رسام زول ایدولوژی توحیدی و تمجید انسان به معیاری برای شناخت راه کمال از برپا رسام فدکا کامل (کُتُزُ رُفَا نَ الْقَیِّ اَنْزَلَ بِهِنَّ الْقُرْآنَ هُدًی لِّلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدًی وَالنُّزُلَانِ)

عاشق اسلام حاصل محتوایی سرشار از معانی بکرو واقعی در باغ دفره و آوازی اجتماعی است و در میان تمامی معاصر نمازما مت سبیل و وحدت و بیگانگی انسانها با یکدیگر و با عداوی خویش است. بویژه نماز جمعه که همچون هیچ با رهایی - اجتماعی و

در محیط مقدس دانشگاه همیشه رزمنده تهران، نماز جمعه بی سابقه ای برگزار شد این اولین نماز جمعه تاریخی بعد از انقلابها دهکده توری و اختناق در - میهنان به امامت مجاهد دستور به الله طالقانی تکریم ارواح مقدس خلق را بنامش گذاشت.

ایشان بعنوان امام جماعت با نصابی پدرانیه مردم را باقیام به فسط و عدل و جهاد به وحدت هر چه بیشتر در سربلای زره خداستعمار دعوت کردند.

از جمله درباره عظمت وحدت تمامی اقشار مردم و شطراتی که در سربلای این وحدت است فرمودند: "وحدت است که از درون دلها و جانها سرچشمه گرفته وحدت است که رهبریهای فاطمه اسلامی بحزرت درآمد. دنیا را شکران کرده. آمریکا، امپریالیسم اروپا، صهیونیسم همه به وحدت افتادند. با کارهای احقانه ای که در سرحدات ما برآورد می اندازند گمان میکنند این مف را متلاشی کنند ولی جز سواشی برای خود نمی گذارند"

و در قسمتی دیگر ار سخنان ایشان با همان جدیتی که در کلام ایشان سراغ داریم گفتند: "استعمار بسیار بدجسوه بقیه در صفحه ۲

مختصری درباره شرح زندگی و سرگذشت مبارزاتی برادر مجاهد مسعود رجوی

مسعود رجوی در سال ۱۳۲۷ زده شد.

پس در خانواده ای مذهبی متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مشهد گذراند. در طول سالهای تحصیل در جلسات مذهبی - سیاسی متعددی شرکت میکرد. این فعالیتها بدینال فنام شهر - ما با خلق در ۱۵ خرداد ۴۲ گسترش و بعد دیگری یافت. او بدینال دستگیری اعضا نهضت آزادی ایران و بخصوص دستگیری حضرت آیتالله طالقانی و مهندس بازرگان به بخش کتب و نشریات آنان پرداخت و از این طریق به گسترش ارتقاء مبارزات اسلامی در آن مرحله همت گماشت. او فارغ التحصیل رشته حقوق سیاسی از دانشگاه تهران است.



بقیه در صفحه ۴

آغاز فعالیت مسعود با مجاهدین

مسعود در سال ۱۳۴۶ و در حالی که بیش از ۱۹ سال نداشت به دعوت در سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته شد و یکسال بعد به عضویت گروه ایدولوژی بقیه در صفحه ۸

گزارش سازندگی در اردوی عمرانی و آموزشی

- "جوانان انقلابی، این سرمایه های بزرگ خلق با سازندگی در روستاها، خود را میسازند."
- فتوای معروف منطقه برای تصاحب زمینها از هیچ دسیسه ای فروگذار نمیگردد

ما سبب از هر جای دیگر داغ این ششها را بر چهره خودمان نشاندیم. سر تا معاهای خدمت می رژیم دیکتاتور محمد رضا شاه که بر اساس منافع امپریالیستیهای جهانخوا و تنظیم شده بود، اساس کشاورزی و زندگی روستایی خلق

تسلط دیرینه امپریالیسم - میهن ما و حاشیای بی شمار رژیم سناک پهلوی، تمامی این سرزمین را به ویرانه ای تبدیل کرده است. روستاهای

ریشه اصلی درد:

"عباس آباد، بازسازی یک روستا"

- "جوانان انقلابی، این سرمایه های بزرگ خلق با سازندگی در روستاها، خود را میسازند."
- فتوای معروف منطقه برای تصاحب زمینها از هیچ دسیسه ای فروگذار نمیگردد

ما را یکی نابود کرده است. و بی تردید حیات کشاورزی و سازندگی روستاهای میهنان هم چون ترمیم دیگر غرابیهای آنها دای امپریالیستی، از اساسترین وظایف یک دولت کشاورزی و زندگی روستایی خلق

بقیه در صفحه ۳

اشغال انحصار طلبانه کتابخانه محکوم است

- ارتجاع ماهیت خود را نشان می دهد.
- منطبق توحید از این شیوه ها می باشد.

اصولی طاقت کرده. و به آن تن نمی دهند در حقیقت مقاومت در برابر این رفتارهای غیر اسلامی را ستولیت ایدئولوژیک خود میدانستند. بالاخره روز چهارشنبه (۴/۲۰)، چند نفر ضمن مراجعه به کتابخانه تلاش میکنند با استفاده از بلندگو ابواب را با تظاهرات واهی از قبل - کموت نیست و "منافق" نیست به مسئولین کتابخانه مسجد، مردم محل را تحریک کند. باین امید که از این طریق مبادرت به اشغال کتابخانه بنمایند، ولی چون مردم کتابها و مسئولین کتابخانه را از قبل شناختند این توپله هم ناموفق میماند. در نهایت مرتضی مسئول با آخرین خبر بقیه در صفحه ۱۱



بقیه در صفحه ۱۱

مجاهد شهید فاطمه امینی چگونه در زیر شکنجه به شهادت رسید؟

- فاطمه پس از دستگیری همسر و هموزم مجاهدش منصور بازرگان همچنان به پیکار خستگی ناپذیر خود ادامه داد

فاطمه پس از دستگیری همسر و هموزم مجاهدش منصور بازرگان همچنان به پیکار خستگی ناپذیر خود ادامه داد.

در بیمارستان شهربانی

فاطمه در بهار ۵۴ در بیمارستان شهربانی دیده شد. در آخرین روزهای سال ۵۴ هنگامیکه یکی از برادران بر اثر شکنجه زیاد روانه بیمارستان شهربانی شده بود، فاطمه سستی را در یکی از اتاق های بیمارستان مشاهده میکند. این برادر وضعیت وحشتناک فاطمه را پس از شکنجه هایی که دیده بود چنین توصیف کرده است: "زنی را دیدم که بر روی تختی به حالت نیمه جان افتاده است. برادر دیگری نیز در همین اتاق بستری بود که بر روی تخت جایگزین قرار داشت. اتاق مادی و غیر تخت و تخت فاطمه بوسله برده پاراوان جدا میشد. ما سهولت میتوانستیم از پشت پرده با هم صحبت کنیم. من ابتدا نام این زن را سؤال کردم. وقتی اسمش را گفتم، بدون معیاضاحت پرسیدم از کدام سازمانها یا شاخه مجاهد هستید؟ پاسخ داد: "بله، البته اگر عمل و جهاد در

در شش ماه پیش جریان بگردد شکنجه های وحشتناکی را که در اوین به فاطمه داده شد به نقل از مشاهدات برادرش شرح میدهم. اکنون توجه شما را به صحنه های دیگری از بدستنی جلاخان و حاشیه آفرینی این مجاهد قهرمان در زیر شکنجه جلب میمانم. فاطمه مدت ۵ ماه رسر شکنجه فرار داشت. در طول این ۵ ماه ما بحر غیرهائی که حاکی از افزایش شدت شکنجه بود ما است اطلاعات دقیقی از جزئیات شکنجهها و ضربات وارد شده بر او نداریم. آنچه مسلم است دشمن در مورد وی از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. بخصوص که خبر کشته شدن او را از پشت پرده اعلام کرده بود. دیگر با خیال آسوده نمی توانست تمام کینههای ضد بشری اش را با ادامه شکنجه او خالی کند. فاطمه طی ۵ ماه تحمل معجزه ترین و سربلایانه ترین شکنجه های درخشان ساواک در شکنجه

هفته نامه مجاهد نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول - کتشماره ۱۵ ریال آدرس تهران - خیابان مصدق جنبش ملی مجاهدین